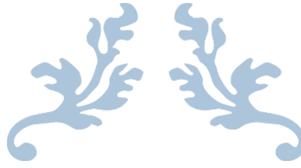


دستور زبان آلمانی

مقطع A1

توضیحات دستوری کتاب Menschen

ویرایش ۱۴۰۱

محمودرضا ولی‌خانی



سرشناسه: ولی‌خانی محمود رضا ۱۳۵۵
شابک: 978-600-96883-7-1
شماره کتابشناسی ملی: ٤٥٧٩٥٦٩
عنوان و نام پدیدآور: دستور زبان آلمانی Menschen A1/محمود رضا ولی‌خانی
وضعیت ویراست: ویراست چهارم
مشخصات نشر: تهران، راین، ۱۳۹۵
توضیح: این کتاب قبلاً در انتشارات رامند منتشر شده و به چاپ پنجم رسیده.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ صفحه جدول
موضوع: زبان آلمانی – دستور – راهنمای آموزشی
موضوع: German language – Grammar – Study and teaching
رده‌بندی دیویی: ٤٣٥
رده‌بندی کنگره: pf۳۱۰۵/و۸د٥٢٤ ۱۳۹۵
شمارهٔ کتابشناسی ملی: ٤٥٧٩٥٦٩

دستور زبان آلمانی MENSCHEN A1

مؤلف و مترجم: محمود رضا ولی‌خانی
ناشر: انتشارات راین
ویرایشگر: الهه دفتری‌نژاد
نوبت چاپ: نهم ١٤٠١
نوبت ویرایش: پنجم (۱۴۰۱)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۸۸۳-۷-۱
کتاب‌های دیگر زبان آلمانی: www.nashre-rain.ir
وبلاگ زبان آلمانی: www.m-valikhani.ir

نظرات و پیشنهادات: ۰۹۱۲۵۳٦٦۳۳۸ (مؤلف)

خودآموزی با مجموعۀ کتاب‌های MENSCHEN

از مجموعۀ کتاب‌های ذیل می‌توانید به صورت خودآموز و یا به موازات دوره‌های زبان آلمانی مقطع A1 مورد استفاده کنید:

- Menschen Kursbuch مقطع A1.1 و A1.2 با CD
- Menschen Arbeitsbuch مقطع A1.1 و A1.2 با CD
- واژه‌نامۀ آلمانی فارسی Menschen A1 با CD از انتشارات راین
- دستور زبان آلمانی Menschen A1 (کتاب پیش رو)
- مکالمۀ زبان آلمانی بر اساس کتاب Menschen A1 با CD از انتشارات راین

روش کار

۱. لغت‌های اولین بخش از درس یک کتاب Kursbuch را به همراه تلفظ، دیکتۀ صحیح، جنسیت و حالت جمع در واژه‌نامۀ آلمانی فارسی Menschen بسیار خوب حفظ کنید.
۲. دستور زبان بخش مربوطه را در کتاب دستور زبان آلمانی Menschen بیاموزید.
۳. اولین بخش از درس یک کتاب Kursbuch و Arbeitsbuch را خوب مطالعه و درک کنید و تکالیف مربوطه را حل کنید و پاسخ خود با پاسخنامۀ کتاب در وبلاگ مؤلف www.m-valikhani.ir مقایسه کنید.
۴. بخش دوم درس را آغاز کنید و مراحل یک الی چهار را تکرار کنید، الی آخر.

خودآموزی برای قبولی در آزمون گوته مقطع A1

برای قبولی در «آزمون زبان آلمانی گوته (یا ÖSD) مقطع A1» نیازی به مطالعۀ کتاب‌های Menschen Kursbuch و Arbeitsbuch و کتاب « واژه‌نامۀ Menschen A1» نیست. لازم است در ابتدا کلیۀ لغات کتاب « ۶۵۰ لغت آزمون گوته مقطع A1» از انتشارات راین به خوبی حفظ شود، سپس کتاب‌های دستور زبان و مکالمۀ Menschen به موازات هم‌دیگر فرا گرفته شود و در هفته‌های آخر چند نمونه آزمون (مراجعه کنید به صفحۀ آخر) تمرین شود.

توصیه‌هایی برای تقویت مهارت «صحبت»

۱. واژگان واژه‌نامۀ Menschen را «از فارسی به آلمانی» هم حفظ کنید. جنسیت و جمع اسامی، و صرف و گذشته و حالت دستوری و حرف اضافۀ همراه با هر فعل را با تلفظ صحیح حفظ کنید. به روش استفادۀ آن‌ها در متن کتاب دقت کنید.
۲. دستور زبان مربوطه در کتاب «دستور زبان آلمانی Menschen» را به خوبی بیاموزید و آن را در کتاب Arbeitsbuch تمرین کنید، سعی کنید جملات جدیدی با کمک ساختار جدید بسازید، جملات خود را تصحیح کنید و ترسی از اشتباه نداشته باشید.
۳. از متون کتبی و صوتی کتاب یادداشت‌برداری کنید و سپس متن را با کمک یادداشت‌های خود با صدای بلند بازگو کنید و ترسی از اشتباه گفتن نداشته باشید.
۴. با الگوها (Redemittel) در قسمت Kommunikation آخر درس جمله‌سازی کنید.

توصیه‌هایی برای تقویت مهارت «شنیدن»

۱. درک شنیداری با دایرۀ واژگان و دانش دستور زبان در ارتباط است. اگر کلمه یا عبارت یا متنی را روی کاغذ درک نمی‌کنید، روی سی‌دی هم درک نمی‌کنید، بنابراین تقویت مهارت شنیدن، لازم است لغت و دستور یاد بگیرید، و متون کتبی را رمزگشایی کنید.
۲. فایل‌های صوتی بخش Hören کتاب را ابتدا ده‌ها بار به صورت کامل، سپس به صورت جمله به جمله و کلمه به کلمه گوش کنید. (با نرم‌افزار KM-Player). سپس جمله به جمله از فایل صوتی را بشنوید و آن را روی کاغذ پیاده کنید (دیکته بنویسید).
۳. «متن» یا PDF فایل صوتی مربوطه (در وبلاگ www.m-valikhani.ir) را دانلود و چاپ کنید، رمزگشایی کنید، معنی جملات درک نشده را رمزگشایی کنید و سپس فایل صوتی را تا درک کامل در حد کلمه مکرراً بشنوید. سپس دیکتۀ خود را تصحیح کنید.

توصیه‌هایی برای تقویت مهارت «نگارش»

۱. لغات واژه‌نامه را «از فارسی به آلمانی» با جنسیت و جمع و گذشته حفظ کنید.
۲. دستور زبان آلمانی Menschen را به خوبی درک کنید و در کتاب کار تمرین کنید.
۳. متون کتاب را خلاصه‌نویسی کنید، خودتان تصحیح کنید و ترسی از اشتباه نداشته باشید.

فصل ۱

فعل در آلمانی

فعل (Verb) کلمه‌ای است که یک عمل، یک روند و یا یک وضعیت را بیان می‌کند. هر فعلی یک شکل زایا دارد که مصدر نامیده می‌شود، مثلاً: arbeiten (کار کردن)، studieren (تحصیل کردن) و غیره. همین‌طور که می‌بینید، مصدر در آلمانی پسوند ‎-en‎ دارد (در برخی موارد تنها ‎-n‎).

زمان حال

زمان‌های حال استمراری و حال مستمر در زبان فارسی، معادل زمان حال (Präsens) در آلمانی هستند. پس اگر در یک جملهٔ آلمانی، فعلی در زمان حال بود، آن جمله می‌تواند به فارسی، حال استمراری ترجمه شود و یا حال مستمر. با توجه به شرایط، می‌توان درک کرد که کدام یک مورد نظر است.

ماریا موسیقی گوش می‌کند (حال استمراری).	Maria **hört** Musik.
ماریا دارد موسیقی گوش می‌کند (حال مستمر).	Maria **hört** Musik.

زمان حال در کنار یک قید زمان، برای بیان «آینده» نیز بسیار کاربرد دارد:

ماریا فردا موزیک گوش می‌کند.	Maria **hört** morgen Musik.

ضمایر شخصی

ضمیر کلمه‌ای است که در جمله به جای اسم استفاده می‌شود. در این قسمت با برخی از ضمیرها در حالت فاعلی آشنا می‌شوید. در آلمانی ضمیر سوم شخص مفرد دارای دو جنس مؤنث و مذکر متفاوت است. در فصل بعد با بقیهٔ ضمیرها آشنا می‌شوید.

ضمایر شخصی				
ich	du	er	sie	Sie
من	تو	او (مذکر)	او (مؤنث)	شما (محترمانه، مفرد یا جمع)

صرف افعال باقاعده در زمان حال

اگر از یک مصدر، مثلاً machen (انجام دادن) دو حرف en- را حذف کنید، آن‌چه باقی می‌ماند «ریشه» (Stamm) نام دارد. در صرف افعال باقاعده، ریشهٔ فعل تغییری نمی‌کند. شیوهٔ صرف افعال باقاعده به این شکل است که به ریشهٔ فعل، متناسب با نهاد (Subjekt)، یکی از پسوندهای این جدول اضافه می‌شود.

	پسوند	machen			
انجام می‌دهم	-e	mache	ich	من	مفرد
انجام می‌دهی	-st	machst	du	تو	
انجام می‌دهد	-t	macht	er/sie	او	
انجام می‌دهید	-en	machen	Sie	شما	محترمانه مفرد یا جمع

من تکالیف منزل را انجام می‌دهم. Ich mache meine Hausaufgaben.

افعال studieren (تحصیل کردن)، lernen (درس خواندن، یادگرفتن) و wohnen (سکونت کردن) نیز از این دسته‌اند.

نهاد

نهاد (Subjekt) آن قسمت از جمله است که دربارهٔ آن سخن گفته می‌شود یا صفتی به آن نسبت داده می‌شود.

او [نهاد] پتر نام دارد.	Er[نهاد] heißt Peter.
شما [نهاد] اهل کجا هستید؟	Woher kommen Sie[نهاد]?
من [نهاد] چهل‌ساله هستم.	Ich[نهاد] bin 40.

در زبان آلمانی، نهاد باید به صورت مستقل در جمله وجود داشته باشد و برعکس فارسی، قابل حذف شدن نیست. مثلاً در ترجمهٔ جمله‌های بالا، «من» و «شما» قابل حذف هستند، ولی در معادل آلمانی ich و Sie قابل حذف نیستند. نکتهٔ دیگر این‌که نهاد باید در «تعداد» (یعنی مفرد یا جمع بودن) و در «شخص» (یعنی اول شخص، دوم شخص،... بودن) با فعل جمله همخوانی داشته باشد.

اسم

اسم (Nomen) نوعی کلمه است که برای نامیدن اشیا و پدیده‌ها به کار می‌رود و همراه با فعل، رکن اساسی جمله را تشکیل می‌دهد. در زبان آلمانی حرف اول هر اسم، حتی در وسط جمله، بزرگ نوشته می‌شود. در جملهٔ زیر، Morgen و Frau اسم هستند. Meyer هم اسم خاص است و بزرگ نوشته می‌شود.

صبح بخیر خانم مایرا!	Guten Morgen Frau Meyer!

حرف اضافهٔ aus

وقتی می‌خواهیم بگوییم که اهل کجا هستیم، از کلمهٔ aus استفاده می‌کنیم. این حرف اضافه، در این فصل، به معنی «اهلِ، از» می‌باشد و در پاسخ به سؤال «woher» (اهل کجا، از کجا) استفاده می‌شود.

Woher kommst du?	اهل کجایی؟
Ich komme **aus** Österreich.	من اهل اتریش هستم.

تقریباً نام تمام کشورها من‌جمله Deutschland بدون حرف تعریف (مثلاً dem) استفاده می‌شود، ولی در مورد تعداد انگشت‌شماری از کشورها پس از کلمهٔ aus، یک شکل بخصوص از حرف تعریف معیّن نیز می‌آید، مانند کشورهای سوئیس، ترکیه، ایران، عراق و ایالات متحدهٔ امریکا و چند کشور دیگر.

Ich komme **aus der** Schweiz/Türkei.	من اهل سوئیس/ترکیه هستم.
Ich komme **aus dem** Iran/Irak.	من اهل ایران/عراق هستم.
Ich komme **aus den** USA.	من اهل ایالات متحدهٔ آمریکا هستم.

در مورد کشورهای Iran و Irak بعد از حرف اضافهٔ aus، حرف تعریف dem می‌آید. کشورهای Türkei و Schweiz حرف تعریف der و کشور USA حرف تعریف den می‌گیرد. این ترکیبات را فعلاً این‌گونه به خاطر بسپارید.

فصل ۲

ضمایر فاعلی در حالت مفرد و جمع

در فصل قبل با تعدادی از ضمایر فاعلی آشنا شدید. در جدولی که در ادامه آمده است با تمامی ضمایر در حالت فاعلی آشنا می‌شوید.

محترمانه	ضمایر جمع			ضمایر مفرد			
Sie	sie	ihr	wir	sie	er	du	ich
شما (محترمانه، مفرد یا جمع)	آنها	شما (دوستانه، بیش از یک نفر)	ما	او (مؤنث)	او (مذکر)	تو	من

همین‌طور که می‌بینید، سه ضمیر sie در جدول وجود دارد: یکی مفرد به معنای او (مؤنث)، یک sie تحت عنوان ضمایر جمع به معنای آنها، و یکی Sie با حرف بزرگ و معنای محترمانه، که هم برای مفرد مخاطب و هم برای جمع مخاطب به کار می‌رود. موقع خواندن، تشخیص این‌که کدام sie مدّ نظر است، با کمک فعل و با کمک محیط جمله امکان‌پذیر است. ضمیر شخصی ihr، معادل مجزایی در فارسی ندارد. ولی شاید می‌شد در فارسی به جای آن «توها» گفت.

صرف افعال در همهٔ صیغه‌ها

همان‌طور که در فصل قبل بیان شد، در صرف افعال باقاعده، ریشهٔ فعل تغییر نمی‌کند. به پسوندهای فعل machen که در جدول زیر پررنگ‌تر تایپ شده‌اند دقت کنید. برای صرف یک فعل باقاعده تنها لازم است که این پسوندها را به ریشهٔ فعل اضافه کنید (ریشهٔ فعل: مصدر بدون en-). در فعل arbeiten برای دوم شخص و سوم شخص مفرد و نیز برای دوم شخص جمع، یک e بین پسوند و ریشهٔ فعل اضافه شده است تا تلفظ بهتر صورت بگیرد (مثال:(arbeitest)).

			صرف افعال در حالت باقاعده و بی‌قاعده			
			باقاعده		بی‌قاعده	
		ضمایر	**machen**	**arbeiten**	**haben**	**sein**
مفرد	1	**ich**	mach**e**	arbeit**e**	habe	*bin*
	2	**du**	mach**st**	arbeit**est**	*hast*	*bist*
	3	**er/sie**	mach**t**	arbeit**et**	*hat*	*ist*
جمع	1	**wir**	mach**en**	arbeit**en**	haben	*sind*
	2	**ihr**	mach**t**	arbeit**et**	habt	*seid*
	3	**sie/Sie**	mach**en**	arbeit**en**	haben	*sind*

در برخی از افعال، برخی صیغه‌ها بی‌قاعده (unregelmäßig) صرف می‌شوند، ریشهٔ فعل در این صیغه‌ها هنگام صرف تغییر می‌کند. افعال haben و sein از این جمله‌اند. صیغه‌های بی‌قاعده در جدول به صورت *ایتالیک* در زمینهٔ خاکستری چاپ شده‌اند.

ضمیر محترمانهٔ «ایشان»

بر خلاف فارسی که برای احترام به سوم شخص، ضمیر «ایشان» به کار برده می‌شود، در آلمانی برای سوم شخص مفرد، ضمیر محترمانه وجود ندارد و از ضمیر er (او-

مذکر) و یا sie (او- مؤنث) استفاده می‌شود و از این رو فعل سوم شخص نیز در آلمانی هیچ‌گاه برای احترام جمع بسته نمی‌شود.

او (مذکر) مهندس است. Er ist Ingenieur.

او (مؤنث) معلم است. Sie ist Lehrerin.

کلمهٔ منفی‌کنندهٔ nicht

nicht برای منفی کردن جملات به کار می‌رود. جایگاه nicht به این شکل است:

۱. بلافاصله پیش از صفت، مانند schön (زیبا)، gut (خوب)، اغلب همراه با فعل sein (بودن).

او متأهل است. Er ist verheiratet.

او متأهل نیست. Er ist **nicht** verheiratet صفت.

۲. بلافاصله پیش از قید، مانند heute (امروز)، hier (این‌جا)، gern (با علاقه).

من با علاقه کار می‌کنم (به کارکردن علاقه دارم). Ich arbeite gern.

با علاقه کار نمی‌کنم (به کارکردن علاقه ندارم). Ich arbeite **nicht** gern قید.

۳. nicht بلافاصله پیش از قسمتی از جمله قرار می‌گیرد که با «حرف اضافه» (مانند aus، zu، in، mit و از این گونه) آغاز می‌شود. این قسمت از جمله ممکن است اطلاعات مربوط به یک مکان یا زمان و علت و ... باشد.

او اهل آلمان است. Er kommt aus Deutschland.

او اهل آلمان نیست. Er kommt[2] **nicht** aus حرف اضافه Deutschland.

۴. بلافاصله قبل از اسم‌های خاص مانند اسم اشخاص و مکان‌ها

Ich heiße Hossein.	من حسین هستم.
Ich heiße **nicht** Hossein.	من حسین نیستم.
Hier ist Berlin.	این‌جا برلین است.
Hier ist nicht Berlin.	این‌جا برلین نیست.

۵. nicht قبل از ضمیر ملکی (درس ۳) قرار می‌گیرد.

Das ist mein Stift.	این مداد من است.
Das ist **nicht** mein Stift.	این مداد من نیست.

۶. nicht در جملات ساده در آخر جمله قرار می‌گیرد.

Markus arbeitet.	مارکوس کار می‌کند.
Markus arbeitet **nicht**.	مارکوس کار نمی‌کند.

در فصل‌های بعد با جایگاه nicht در موقعیت‌های جدید بیشتری آشنا می‌شوید.

عنوان مشاغل

اسم‌های مشاغل در زبان آلمانی همگی مذکر هستند ولی جفت مؤنث خود را نیز دارند. پسوند لازم برای اکثر مشاغل مؤنث -in است.

der Lehrer (مذکر) معلم	die Lehrer**in** (مؤنث) معلم
der Student (مذکر) دانشجو	die Student**in** (مؤنث) دانشجو

شکل جمع عناوین مشاغل مؤنث، پسوند -nen می‌گیرد:

Stutentin (مفرد) → Student**in**nen (جمع)

در برخی اسم‌ها، برای شکل مؤنث نیازی به پسوند in- نیست، چراکه شکل مؤنث آن اسم موجود است:

مؤنث		مذکر
Kauffrau	تاجر	Kaufmann
Krankenschwester	پرستار	Krankenpfleger

حروف اضافهٔ bei و in و کلمهٔ als

در موضوع مشاغل، حرف اضافهٔ **bei** به معنی «در، نزد» می‌باشد و پیش از نام یک مؤسسه به کار می‌رود:

من **در** زیمنس کار می‌کنم. Ich arbeite **bei** Siemens.

als یعنی «به عنوان» و پیش از نام شغل می‌آید:

اشتفان به عنوان معلم کار می‌کند. Stefan arbeitet **als** Lehrer

حرف اضافهٔ **in** نیز برای بیان شهر محل کار یا محل سکونت، در پاسخ سؤالی که با wo شروع می‌شود استفاده می‌شود:

Wir wohnen und arbeiten **in** Dortmund.

ما **در** دورتموند سکونت داریم و کار می‌کنیم.

شمارش اعداد تا ۹۹

در آلمانی اعداد را با حرف کوچک می‌نویسند. اعداد از صفر تا ۱۹ نسبتاً ساده‌اند و شباهت‌های زیادی با اعداد انگلیسی دارند.

0 null	5 fünf	10 zehn	15 fünfzehn
1 eins	6 sechs	11 **elf**	16 **sech**zehn
2 zwei	7 sieben	12 **zwölf**	17 **sieb**zehn
3 drei	8 acht	13 dreizehn	18 achtzehn
4 vier	9 neun	14 vierzehn	19 neunzehn

اعداد ۲۰ تا ۹۹ با پسوند zig- ساخته می‌شوند (استثنا: عدد ۳۰ : **dreißig**).

20 zwan**zig**	50 fünf**zig**	80 acht**zig**
30 drei**ßig**	60 sech**zig**	90 neun**zig**
40 vier**zig**	70 sieb**zig**	

اعداد دورقمی برعکس نوشته و خوانده می‌شوند، بین آن‌ها und قرار می‌گیرد و به هم چسبیده نوشته می‌شوند.

43 drei**und**vierzig	32 zwei**und**dreißig	21 ein**und**zwanzig

فصل ۳

جملهٔ خبری

جملات خبری (Aussagesatz) جملاتی هستند که گوینده به وسیلهٔ آن‌ها اطلاعات می‌دهد. فعل در این جملات در جایگاه دوم قرار دارد. در جایگاه اول می‌تواند نهاد، مفعول، قید و یا اطلاعات زمانی و مکانی قرار گیرد.

من نیکل هستم.	Ich bin[2] Nicole.
این‌جا سرد است.	Hier ist[2] kalt.

ساخت جملات سؤالی

در آلمانی دو نوع جملهٔ سؤالی وجود دارد.

۱. به سؤالی که جوابش می‌تواند بله یا خیر باشد جملهٔ سؤالی «بله‌خیری» (Ja-Nein-Frage) می‌گویند. طریقهٔ ساخت این‌گونه جملات بسیار ساده است: در این‌گونه جملات، فعل در جایگاه اول قرار می‌گیرد. بلافاصله پس از فعل، نهاد جمله قرار می‌گیرد.

آیا شما اهل مکزیک هستید؟	**Kommen[1]** Sie[نهاد] aus Mexiko?
بله.	Ja!

۲. به سؤالی که پاسخ آن باید توضیح داده شود جملهٔ سؤالی توضیحی (W-Frage) می‌گویند. این‌گونه جملات با یک کلمهٔ پرسشی آغاز می‌شود که حرف اول آن W است. با کلمات پرسشی Wer (چه کسی)، Was (چه چیزی، چه کاری) و Woher (از کجا، اهل کجا) آشنا شده‌اید.

Wer **ist** das? این کیست؟

Was **ist** das? این چیست؟

Woher **kommen** Sie? اهل کجا هستید؟

جایگاه فعل در ساخت جملات پرسشی با wer، was و woher بلافاصله پس از این کلمات پرسشی (در واقع درجایگاه دوم) است.

~~Woher Sie kommen?~~ نادرست

Woher kommen[2] Sie? درست

ترتیب اجزای جمله با آمدن کلمات aber و und

همان‌طور که در قسمت قبل دیدید، در جملهٔ خبری، فعل در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. با آمدن کلمهٔ und (و) و کلمهٔ aber (اما) در اول جمله هیچ تغییری در ترتیب اجزای جمله صورت نمی‌گیرد. این دو کلمه اصطلاحاً در جایگاه صفر (Null-Position) قرار می‌گیرند.

Wir wohnen in Augsburg **aber[0]** wir[1] arbeiten[2] in München.
ما در آگسبورگ سکونت داریم، **اما** ما در مونیخ کار می‌کنیم.

Ich komme aus der Schweiz **und[0]** ich[1] arbeite[2] in Bern.
من اهل سوئیس هستم **و** من در برن کار می‌کنم.

وقتی دو جمله با کلمهٔ und یا aber به هم می‌پیوندند، فاعل جملهٔ دوم می‌تواند به قرینه حذف شود، به شرطی که فاعل هر دو جمله یکی باشد، مانند wir در جملات زیر:

Wir wohnen **und** ~~wir~~ arbeiten in Hamburg.

ما درهامبورگ سکونت داریم و کار می‌کنیم.

Wir arbeiten in Augsburg **aber** ~~wir~~ wohnen in München.

ما در آگسبورگ کار می‌کنیم ولی در مونیخ سکونت داریم.

کلمهٔ doch در جواب یک سؤال منفی

برای پاسخ به سؤالات بله‌خیری، می‌توان از سه کلمهٔ ja، nein (نه) و **doch** (چرا) استفاده کرد.

Sind Sie Frau Meyer? — آیا شما خانم مایر هستید؟

Ja, ich bin Frau Meyer. — بله، من خانم مایر هستم.

Sind Sie Frau Meyer? — آیا شما خانم مایر هستید؟

Nein, ich bin nicht Frau Meyer. — نه، من خانم مایر نیستم.

ولی برای پاسخ مثبت به یک سؤال بله‌خیری «منفی» از **doch** استفاده می‌کنند که در فارسی به معنی «چرا» می‌باشد.

Kommen Sie **nicht** aus der Schweiz? — آیا شما اهل سوئیس نیستید؟

Doch. Ich komme aus der Schweiz. — چرا. من اهل سوئیس هستم.

تغییر مصوَت در صرف افعال بی‌قاعده

افعال بی‌قاعده افعالی هستند که در هنگام صرف، در آن‌ها تغییری در ریشه رخ می‌دهد. در بسیاری از آن‌ها مصوت (a,e,i,o,u,ä,ö,ü) موقع صرف در دوم‌شخص مفرد و سوم‌شخص مفرد تغییر می‌کند. مثلاً در فعل sprechen، مصوت **e** ، در دوم شخص و سوم شخص مفرد به **i** تبدیل می‌شود:

مفرد	ich	spr**e**che
	du	*spr**i**chst*
	er/sie	*spr**i**cht*

Welche Sprachen spr**i**chst du? به چه زبان‌هایی صحبت می‌کنی؟

Ich spr**e**che Deutsch und Englisch. من آلمانی و انگلیسی صحبت می‌کنم.

در فصل های بعدی به ترتیب با افعال دیگری از این قبیل آشنا می‌شوید.

ضمایر ملکی

ضمیر ملکی در آلمانی پیش از اسم قرار می‌گیرد و بیان می‌کند که اسم بعد از آن، متعلق به مرجع ضمیر است، مانند (mein Bruder) به معنای برادر من. در این فصل با ضمایر ملکی mein (-ِ من) و dein (-ِ تو) آشنا می‌شوید. ضمایر ملکی mein و dein بر طبق جنسیت اسمی که پس از آن‌ها می‌آید و همچنین مفرد یا جمع بودن آن اسم تغییر می‌کنند. ضمایر ملکی‌ای که پیش از اسم‌های مؤنث و اسم‌های جمع قرار می‌گیرند، پسوند e- می‌گیرند. اگر ضمیر ملکی پیش از یک اسم مفرد مذکر (مانند Bruder) قرار گیرد، پسوند لازم ندارد (mein Bruder).

	ضمایر ملکی (در حالت نومیناتیو)		
	مذکر	مؤنث	جمع
ich	**mein** Bruder	**meine** Schwester	**meine** Geschwister
	برادر من	خواهر من	خواهربرادر من
du	**dein** Bruder	**deine** Schwester	**deine** Geschwister
	برادر تو	خواهر تو	خواهربرادر تو

Wie heißt **dein** Bruder? برادر تو چه نام دارد؟ (مذکر)

Mein Bruder heißt Robert. برادر من روبرت نام دارد.

Ist **deine** Schwester verheiratet? آیا خواهرت متأهل است؟ (مؤنث)

Meine Schwester ist nicht verheiratet. خواهر من متأهل نیست.

Sind das **deine** Kinder? آیا این‌ها بچه‌های تو هستند؟ (جمع)

Ja, das sind **meine** Kinder. بله، این‌ها بچه‌های من هستند.

در فصول بعد با ضمایر ملکی دیگر آشنا می‌شوید.

فصل ۴

جنسیت اسم

در زبان آلمانی هر اسم یک جنسیت دارد و می‌تواند مذکر، مؤنث یا خنثی باشد. مثلاً کلمهٔ «میز» مذکر (maskulin) است. «تختخواب» خنثی (neutral) است «لامپ» مؤنث (feminin) است. در اکثر اسم‌ها قاعدهٔ خاصی برای تشخیص جنسیت دیده نمی‌شود و مجبوریم جنسیت را همراه با اسم به خاطر بسپاریم، ولی در برخی موارد ظاهر یک اسم می‌تواند به تشخیص جنسیت آن کمک کند. در جدول زیر به برخی از این نشانه‌ها اشاره شده است. البته ذکر استثناها از حوصله این مبحث خارج است. نشانهٔ جنسیت اسم‌ها در اکثر موارد پسوند و یا چند حرف آخر آن اسم است. بسیار ضروری است که این جدول را هر چه زودتر به خاطر بسپارید، زیرا دستور زبان آلمانی به شکل گسترده‌ای با جنسیت اسم در ارتباط است.

اسم‌های مؤنث		**اسم‌های مذکر**		**اسم‌های خنثی**	
نشانه	مثال	نشانه	مثال	نشانه	مثال
-in	Lehrer**in**	**-er**	Lehr**er**	**-chen**	Mäd**chen**
-e	Lamp**e**	**-or**	Dokt**or**	**-ment**	Doku**ment**
-ei	Poliz**ei**	**-ling**	Lehr**ling**	**-lein**	Büch**lein**
-heit	Frei**heit**	**-us**	Kommunism**us**	**-nis**	Zeug**nis**
-keit	Möglich**keit**	روزها	Montag	**-um**	Muse**um**

schaft	Freund**schaft**	ماه‌ها	April	مصدر	Lesen
-ung	Üb**ung**	فصل‌ها	Winter		
-tät	Universi**tät**	جهت‌ها	Norden		
-ik	Mus**ik**				
-ur	Kult**ur**				
-ion	Tradit**ion**				

حرف تعریف

حرف تعریف (Artikel) کلمه‌ای است که جنسیت، حالت دستوری، مفرد و جمع بودن اسم بعد از خود را «تعریف» می‌کند. حرف تعریف همراه با اسم می‌آید و در آلمانی به چهار دسته تقسیم می‌شود.

۱. حرف تعریف معین (der, das, die و ...)
۲. حرف تعریف نامعین (ein, eine و ...)
۳. حرف تعریف منفی‌کننده (kein, keine و ...)
۴. حرف تعریف صفر یا اسم بدون حرف تعریف

حروف تعریف معین der-das-die

حرف تعریف معیّن (definiter Artikel) (در انگلیسی the) قبل از اسم قرار می‌گیرد و مواقعی به کار برده می‌شود که آن مفهوم (مثلاً شخص یا مکان یا حیوان یا نظر یا...) که با این اسم نام برده می‌شود «شناخته‌شده» باشد. در زبان آلمانی سه حرف تعریف معیّن برای اسم‌های مفرد و یک حرف تعریف معیّن برای اسم‌های جمع وجود دارد. حروف تعریف مفرد معیّن (در حالت فاعلی یا نهادی) برای اسم‌های مذکر der، برای اسم‌های خنثی das و برای اسم‌های مؤنث die است:

Der Tisch ist klein. — این کوچک است.

Das Bett ist groß. — این تخت‌خواب بزرگ است.

Die Lampe ist schön. — این لامپ قشنگ است.

همین‌طور که در ترجمهٔ سه جملهٔ بالا می‌بینید، Der Tisch «این میز» ترجمه شد. چون‌که میز برای گوینده و شنونده شناخته‌شده (معیّن) است. به عبارت دیگر، آن‌ها در نزدیکی آن میز هستند و یا آن را می‌بینند و در مورد آن توضیح می‌دهند. می‌توان Der Tisch را همچنین «آن میز» و یا «میزه» و حتی در برخی موارد «میز» معنی کرد. ولی در هر حالت باید میز شناخته‌شده باشد تا حرف تعریف معیّن بگیرد. در حالت جمع، جنسیت مهم نیست. حرف تعریف معیّن تمامی اسم‌های مذکر، خنثی و مؤنث، در حالت جمع، die است.

Die Tische sind klein. — (این) میزها کوچک‌اند.

Die Betten sind groß. — (این) تختخواب‌ها بزرگ‌اند.

Die Lampen sind schön. — (این) لامپ‌ها قشنگ‌اند.

ضمایر er ,es ,sie

ضمیر کلمه‌ای است که به جای اسم به کار می‌رود. در فارسی برای اشاره به یک شیء یا حیوان از ضمیر «آن» یا «این» استفاده می‌شود. در آلمانی، ضمیری که برای این کار استفاده می‌شود، بستگی به جنسیت اسم دارد.

ضمیر	حرف تعریف معین	جنسیت	
er	der	مذکر	مفرد
es	das	خنثی	
sie	die	مؤنث	
sie	die	مهم نیست	جمع

Der Tisch ist modern. **Er** kostet 120 Euro.

آن میز مدرن است. آن ۱۲۰ یورو قیمت دارد.

Das Bett ist bequem. **Es** kostet 200 Euro.

آن تخت‌خواب راحت است. آن ۲۰۰ یورو قیمت دارد.

Die Lampe ist schön. Sie kommt aus Italien

آن لامپ قشنگ است. آن ایتالیایی است.

Der Tisch und **die** Stühle sind schön. **Sie** kosten 50 Euro.

میز و صندلی‌ها قشنگ‌اند. آن‌ها ۵۰ یورو قیمت دارند.

شمارش اعداد از ۱۰۰ تا یک میلیون

در تمام اعداد بیش از صد، یکان و دهگان برعکسِ هم نوشته و خوانده می‌شوند. اعداد کمتر از یک میلیون به هم متصل نوشته می‌شوند (حتی اگر یک خط کامل فضا اشغال کنند) ضمن این‌که حرف اول آن‌ها کوچک نوشته می‌شود. بلافاصله پس از hundert و tausend هیچ‌گاه کلمهٔ und قرار نمی‌گیرد. کلمهٔ Million به صورت جدا نوشته شده و حرف اول آن باید بزرگ‌نویسی شود.

(ein)hundert 100
(ein)hundertfünf 105
(ein)hundertdreiundzwanzig 123
(ein)tausend 1.000

(ein)tausendzweihundertvierunddreißig 1.234
dreiundzwanzigtausendvierhundertsechsundfünfzig 23.456
eine Million 1.000.000

کلمهٔ denn در جملات سؤالی

اگر denn در یک سؤال ظاهر شود، به خودی خود معنایی ندارد. denn نشان می‌دهد که سؤال‌کننده به شنیدن جواب علاقه دارد.کلمهٔ denn به معنی «چون‌که» نیز هست، که در فصل ۲۳ مطرح می‌شود.

Wie viel kostet denn die Lampe?	این لامپ چند است؟
Wo wohnen Sie denn?	کجا سکونت دارید؟
Wie schreibt man das denn?	این را چطوری می‌نویسند؟

فصل ۵

حرف تعریف نامعیّن ein-eine

در فصل پیش با حروف تعریف «معیّن» (der, das, die) آشنا شدید. گاهی پیش از اسم حرف تعریف «نامعیّن» قرار می‌گیرد. حروف تعریف نامعیّن، ein و eine و مشتقات آن‌ها هستند. این حروف تعریف در این موارد استفاده می‌شوند:

۱. اسمی که در کنار حرف تعریف نامعین نام برده می‌شود ناشناخته است و یا بار اول است که در متن ظاهر می‌شود و ما هنوز اطلاعات دقیقی در مورد آن نداریم.

Das ist eine[نامعین] Studentin. Die[معین] Studentin heißt Tina.

آن یک دانشجو است. آن دانشجو تینا نام دارد.

۲. حرف تعریف نامعین جای عدد «یک» هم کاربرد دارد.

Ich hätte gern **ein** Glas Mineralwasser. یک لیوان آب می‌خواستم.

حرف تعریف نامعیّن نیز باید با جنسیت اسم پس از خود هماهنگی داشته باشد. حرف تعریف نامعیّن برای اسم‌های مذکر و خنثی ein، و برای اسم‌های مؤنث eine است. برای اسم‌های جمع حرف تعریف نامعیّن وجود ندارد، یعنی جای آن خالی می‌ماند و یا گاهی در این جایگاه عدد قرار می‌گیرد.

	حروف تعریف نامعیّن	
	مفرد	جمع
مذکر	Das ist **ein** Tisch. این یک میز است.	Das sind Tische. این‌ها میز هستند.
خنثی	Das ist **ein** Bett. این یک تخت است.	Das sind Betten. این‌ها تختخواب هستند.
مؤنث	Das ist **eine** Lampe. این یک لامپ است.	Das sind Lampen. این‌ها لامپ هستند.

حرف تعریف منفی‌کنندۀ kein-keine

سومین دسته از حروف تعریف، حرف تعریف منفی‌کننده است. این حرف تعریف برای منفی کردن جملات استفاده می‌شود و در انگلیسی اغلب no ترجمه می‌شود.

		حروف تعریف در حالت نهادی (نومیناتیو)			
		معیّن	نامعیّن	منفی‌کننده	
مذکر	Das ist	der	ein	kein	Tisch.
خنثی	Das ist	das	ein	kein	Bett.
مؤنث	Das ist	die	eine	keine	Lampe.
جمع	Das sind	die	ندارد	keine	Lampen.

این حروف تعریف در حالت مفرد به حروف تعریف نامعیّن شباهت دارند، با این تفاوت که در ابتدای آن‌ها حرف k آمده است. در حالت جمع برای همۀ جنس‌ها keine استفاده می‌شود. حروف تعریف منفی‌کننده نیز همچون دیگر حروف تعریف

باید با جنسیت اسم همخوانی داشته باشند. از حرف تعریف منعفی‌کنندهٔ kein و مشتقات آن برای منفی کردن جمله‌ای که دارای یک «اسم نامعیّن» (شناخته‌نشده) است استفاده می‌کنیم.

Ich habe **ein** Auto. من یک ماشین دارم.

Ich habe **kein** Auto. من هیچ ماشینی ندارم (من یک ماشین هم ندارم).

Das ist **eine** Lampe. این یک لامپ است.

Das ist **keine** Lampe. این (اصلاً) لامپ نیست.

kein همچنین پیش از یک اسم «بدون حرف تعریف» قرار می‌گیرد.

Ich habe Kinder. من بچه‌هایی دارم.

Ich habe keine Kinder. من هیچ بچه‌ای ندارم.

Das sind Lampen. این‌ها لامپ‌هایی هستند.

Das sind keine Lampen. این‌ها (اصلاً) لامپ نیستند.

تفاوت nicht و kein

تفاوت nicht و kein بیشتر در جایگاه این دو کلمه است. هر دو این کلمات برای منفی کردن جملات استفاده می‌شوند. همان‌طور که در بخش قبل بیان شد، kein می‌تواند پیش از یک اسم قرار گیرد، دقیق‌تر: یک اسم نامعیّن (یعنی اسمی که همراه با ein باشد) یا یک اسم بدون حرف تعریف. kein در انگلیسی no ترجمه می‌شود، اما nicht در انگلیسی not ترجمه می‌شود. nicht پیش از صفت‌ها، قیدها، ضمایر ملکی، اطلاعات زمانی و مکانی و علت و چگونگی و ... و قبل از حروف اضافه (مثل aus، in، ...) به کار می‌رود (مراجعه کنید به فصل ۲). علاوه بر این kein نسبت به

nicht تأکید بیشتری بر «عدم وجود، عدم امکان و ...» دارد و بیشتر همراه با کلمهٔ «اصلاً» یا «هیچ» ترجمه می‌شود.

Das Hotel ist ein Jahr alt. این هتل یک سال سن دارد.

Das Hotel ist kein Jahr alt. این هتل اصلاً یک سال سن هم ندارد.

فرق man و Mann

man (با حرف اول کوچک و یک n)، یک ضمیر نامعیّن سوم شخص مفرد است که در فارسی می‌تواند به «آدم» ترجمه شود. این ضمیر همچنین ممکن است درقالب جملهٔ مجهول و یا ضمیر متصل «-ند» ترجمه شود.

Man darf hier nicht schwimmen. آدم اجازه ندارد در این‌جا شنا کند.

In Deutschland spricht **man** Deutsch.

در آلمان، آلمانی صحبت می‌شود (مجهول). در آلمان، آلمانی صحبت می‌کنند (-ند).

Mann (با حرف اول بزرگ و دو n)، به معنای «مرد» یا «شوهر» است.

Der **Mann** arbeitet bei Mapna. آن مرد نزد شرکت مپنا کار می‌کند.

Mein Mann ist 40. شوهر من چهل سال سن دارد.

فصل ۶

جمع بستن اسم

جمع بستن اسم به هشت روش انجام می‌شود. این‌که یک اسم طبق کدام یک از این هشت روش جمع بسته می‌شود، اغلب از یک قاعدهٔ خاص تبعیت نمی‌کند و به خاطر همین، باید جمع یک اسم را در فرهنگ لغت و یا واژه‌نامه نگاه کرد تا مطمئن شد.

	شکل‌های مختلف جمع بستن اسم		
	مفرد	**جمع**	**پسوند**
۱	der Stift	die Stift**e**	-e
۲	der Schrank	die Schr**ä**nk**e**	-★e
۳	die Uhr	die Uhr**en**	-(e)n
۴	das Sofa	die Sofa**s**	-s
۵	das Bild	die Bild**er**	-er
۶	das Buch	die B**ü**ch**er**	-★er
۷	der Kalender	die Kalender	(بدون تغییر)
۸	die Mutter	die M**ü**tter	(فقط اوملاوت)

پرکاربردترین پسوندهای جمع، پسوندهای **-e** و **-n** هستند. برخی اسم‌ها هنگام جمع بستن اوملات (هم) می‌گیرند و برخی اصلاً بدون تغییر می‌مانند. پسوندهای جمع را

می‌توان به چهار پسوند خلاصه کرد و به صورت **ners** به خاطر سپرد. جمع برخی از اسم‌ها بی‌قاعده است و باید به خاطر سپرده شود، مانند:

دوره‌های کارآموزی. Praktikum^مفرد → Praktika^جمع

تشخیص پسوند جمع اسم از روی ظاهر آن

در برخی از اسم‌ها می‌توان از ظاهر به شکل جمع پی برد. مثلاً اگر اسمی در حالت مفرد به e- ختم شود، آن اسم در حالت جمع، پسوند n- می‌گیرد. در ادامه از ذکر استثناها صرف‌نظر شده است. قواعد این جدول را در اولین فرصت به خاطر بسپارید.

تشخیص طریقهٔ جمع بستن اسم از روی ظاهر اسم			
پسوند جمع	مثال	پسوند مفرد	
بدون تغییر	Lehr**er** → Lehrer	-er	مذکر
-en	Dokt**or** → Dokto**ren**	-or	مذکر
-nen	Lehrer**in** → Lehrerin**nen**	-in	مؤنث
-n	Schul**e** → Schule**n**	-e	مؤنث/مذکر
-en	Lekt**ion** → Lektion**en**	-ion	مؤنث
-en	Bäcker**ei** → Bäckere**ien**	-ei	مؤنث
-en	Krank**heit** → Kraknheit**en**	-heit	مؤنث
-en	Gesell**schaft** → Gesellschaft**en**	-schaft	مؤنث
-en	Universi**tät** → Universität**en**	-tät	مؤنث
-en	Fabr**ik** → Fabrik**en**	-ik	مؤنث
-en	Kult**ur** → Kultur**en**	-ur	مؤنث
بدون تغییر	Mäd**chen** → Mädchen	-chen	خنثی
بزرگ‌نویسی	sehen → Sehen	مصدر	خنثی

بر طبق یک آمار، ۵۵ درصد از اسم‌هایی که در متن‌های آلمانی دیده می‌شوند در حالت جمع پسوند n- دارند و تقریباً همهٔ آن‌ها نشانه‌هایی مشخص دارند که در جدول می‌بینید. ۳۱ درصد از اسم‌ها در حالت جمع به e- ختم می‌شوند؛ ۱۰ درصد از اسامی در حالت جمع هیچ پسوندی نمی‌گیرند. فقط به ۳ درصد از اسامی در حالت جمع پسوند er- اضافه می‌شود و تنها ۱ درصد از اسم‌ها به s- ختم می‌شوند. بنابراین اگر اسمی در حالت مفرد ظاهر اسم‌های داخل جدول را نداشت، برای جمع بستن آن در درجهٔ اول پسوند e- در نظر بگیرید، البته ممکن است اوملات اضافه شود:

der Stift → die Stifte
der Stuhl → die Stühle
das Lokal → die Lokale
der Tisch → die Tische

در کل بدون در نظر گرفتن موارد استثنایی می‌توان گفت:

۱. اسم‌هایی که به e- ختم می‌شوند، در حالت جمع به n- ختم می‌شوند.

die Lampe → die Lampen
der Kollege → die Kollegen

۲. اگر پی بردید که جنسیت یک اسم مؤنث است، بدانید جمع آن به n- ختم می‌شود.

die Kartoffel → die Kartoffel**n**
die Schwester → die Schwester**n**

۳. اسم‌هایی که از زبان انگلیسی یا فرانسوی وارد زبان آلمانی شده‌اند، پسوند s- دارد.

das Restaurant → die Restaurants
die Couch → die Couchs

تفاوت viel و viele

viel قبل از اسم‌های غیر قابل شمارش مثل Obst (میوه) یا Milch (شیر) به کار می‌رود و **viele** قبل از اسم‌های قابل شمارش مثل Kind (بچه). هر دو این کلمات «بسیار، خیلی» معنی می‌دهند.

In der Schweiz spricht man **viele** Sprachen .

در سوئیس زبان‌های بسیاری صحبت می‌شود.

In Deutschland isst man **viel** Obst .

در آلمان خیلی میوه خورده می‌شود.

جملهٔ سؤالی با Wie viele یا Wie viel

wie viel به معنای «چه مقدار، چقدر» قبل از اسم‌های غیر قابل شمارش، مانند: Obst، Wasser استفاده می‌شود و **wie viele** به معنای «چه تعداد، چند تا» قبل از اسم‌های قابل شمارش، مانند: Kind، Tisch و ... به کار می‌رود. اسمی که پس از wie viele قرار می‌گیرد، «باید» در حالت جمع باشد.

Wie viele Kinder^جمع^ hast du? — چند تا بچه داری؟

Wie viel Obst isst du am Tag? — چقدر میوه در روز می‌خوری؟

ترتیب کلمات در این نوع جملهٔ پرسشی به این شکل است:

Wie viel(e)	**اسم**	**فعل**	**نهاد**
Wie viele	Sprachen^جمع^	sprechen	Sie?
چند تا	زبان	صحبت می‌کنید	شما؟

حالت دستوری یا Kasus (کازوس) چیست؟

در آلمانی ممکن است که یک اسم یا حرف تعریف به شکل‌های مختلف ظاهر شود. مثلاً حرف تعریف معیّن در حالت مذکر مفرد، ممکن است به صورت der، به صورت den و یا به صورت dem ظاهر شود. آلمانی‌ها با این کار، آن قسمت از جمله را علامت‌گذاری می‌کنند تا مثلاً نشان دهند که آن قسمت از جمله فاعل است یا مفعول است، حرکت می‌کند یا ثابت است یا غیره. در فارسی بر عکس آلمانی کلمه‌ها به لحاظ نقش خود در جمله (فاعل، مفعول،...) تغییر نمی‌کنند و بنابراین فارسی حالت دستوری ندارد. اما حرف تعریف، اسم، ضمیر شخصی و ملکی در آلمانی در نقش‌های مختلف تغییر می‌کنند و حتی با کلمات دیگری جایگزین می‌شوند. چهار نوع حالت دستوری در زبان آلمانی وجود دارد. در این کتاب با سه نوع آن آشنا می‌شوید:

Dativ	Akkusativ	Nominativ
داتیو	آکوزاتیو	نومیناتیو

حالت دستوری نومیناتیو

حالت دستوری نومیناتیو یکی از سه حالت دستوری است که ذکر شد. این حالت دستوری برای علامت‌گذاری فاعل، یا مسندٌالیه یا به طور کلی نهاد (Subjekt) به کار می‌رود. این حالت دستوری با افعال «لازم» مانند sein «بودن» نیز به کار می‌رود. با این جدول آشنا هستید:

		حروف تعریف در حالت نومیناتیو			
		معیّن	نامعیّن	منفی کننده	
مذکر	Hier ist	der	ein	kein	Tisch
خنثی	Hier ist	das	ein	kein	Bild
مؤنث	Hier ist	die	eine	keine	Lampe
جمع	Hier sind	die	ندارد	keine	Tische

Hier ist **der** Tisch. آن میز این‌جا است.

Hier ist **ein** Tisch. یک میز این‌جا است.

Hiert ist **kein** Tisch. این‌جا میز نیست.

حالت دستوری آکوزاتیو

اگر در جمله‌ای یک فعل «متعدی» همچون haben (داشتن)، brauchen (احتیاج داشتن)، suchen (جستجو کردن) و یا kaufen (خریدن) وجود داشته باشد، در آن‌صورت به یک «مفعول مستقیم» در جمله نیاز است.

		حروف تعریف در حالت آکوزاتیو			
		معیّن	نامعیّن	منفی کننده	
مذکر	Ich brauche	d**en**	ein**en**	Kein**en**	Tisch.
خنثی	Ich brauche	das	ein	Kein	Bild.
مؤنث	Ich brauche	die	eine	Keine	Lampe.
جمع	Ich brauche	die	ندارد	Keine	Tische.

حال اگر آن مفعول، اسم مفرد مذکر باشد، حرف تعریفش به جای der، den خواهد بود، همچنین ein تبدیل به einen می‌شود و kein تبدیل به keinen می‌شود.

Ich brauche **den** Tisch.	من این میز را احتیاج دارم.
Ich brauche **einen** Tisch.	من یک میز احتیاج دارم.
Ich brauche **keinen** Tisch.	من میز احتیاج ندارم.

به این شکل‌های حرف تعریف، که در جدول نمایش داده شده‌اند، آکوزاتیو می‌گویند. همان‌طور که در جدول بالا می‌بینید، حروف تعریف در حالت آکوزاتیو فقط در یک جنس با نومیناتیو (حالت فاعلی، جدول صفحه قبل) تفاوت دارند و آن در «مذکر» است.

Ich suche **den** Schlüssel.	من کلید را جستجو می‌کنم.
Ich habe **einen** Schlüssel.	من یک کلید دارم.
Er sucht **die** Formulare.[جمع]	او پرسشنامه‌ها را جستجو می‌کند.
Sie kauft **keine** Briefmarke.	او هیچ تمبری نمی‌خرد.

طرز تشخیص فعل متعدی

مفعول بی‌واسطه همیشه همراه افعال متعدی می‌آید. راه تشخیص افعال متعدی یا (transivit) در آلمانی این است که از فعل سؤالی با was (چه چیز را) ویا wen (چه کسی را) بسازید. اگر معنی داد، فعل متعدی است و به مفعول بی‌واسطه در حالت آکوزاتیو نیاز دارد. فعل‌های trinken, suchen, brauchen متعدی‌اند.

Ich **suche** einen Laptop [مفعول]. (Was suche ich?)

من یک لپتاپ جستجو می‌کنم. (چه چیز را ...؟)

Ich **brauche** einen Lehrer[مفعول]. (Wen brauche ich?)

من یک معلم احتیاج دارم. (چه کسی را؟)

Ich **trinke** einen Saft[مفعول]. (Was trinke ich?)

من یک آبمیوه می‌نوشم. (چه چیزی را؟)

ضمیر اشارهٔ das

ضمیر کلمه‌ای است که به جای اسم می‌نشیند. ضمیر اشارهٔ das به معنی «این، آن» است و جنسیت مرجع آن مطرح نیست. این ضمیر دو کاربرد دارد.

das برای اشاره به اشیاء و اشخاص، استفاده می‌شود و اغلب در کنار قیدهای مکان hier (این‌جا)، da (این‌جا/آن‌جا) یا dort (آن‌جا) به کار برده می‌شود.

Was ist das hier?	این چیست؟
Das ist ein Stift.	این (شیء) یک قلم است.
Wer ist das?	آن کیست؟
Das ist Frau Meyer.	آن (شخص) خانم مایر است.

das برای اشاره به یک عمل، یک موقعیت، و یا موضوع هم استفاده می‌شود.

Machst du das?	این (کار) را انجام می‌دهی؟
Ja, ich mache das.	بله، این (کار) را انجام می‌دهم.
Das mache ich gern.	این (کار) را با علاقه انجام می‌دهم.
Das ist schwer.	این (موقعیت) سخت است.
Das verstehe ich nicht.	من این (موضوع) را نمی‌فهمم.

فصل ۷

افعال مُدال

افعال مُدال یا (Modalverben) یا افعال معین در زبان آلمانی عبارتند از:

Dürfen	sollen	müssen	wollen	möchten	können
اجازه داشتن	بایستن	مجبور بودن	خواستن	میل داشتن، خواستن	توانستن، اجازه داشتن

این افعال در جمله به همراه مصدر یک فعل دیگر استفاده می‌شوند که در آخر جمله قرار می‌گیرد.

شما واقعاً خیلی خوب می‌توانید برقصید! Sie **können** ja sehr gut **tanzen**!

در یک جملهٔ سؤالی بله‌خیری (Ja-nein-Frage) فعل مدال **در اول جمله** می‌نشیند:

آیا شما می‌توانید خوب برقصید؟ Können Sie gut tanzen?

فعل مدال können

فعل können به معنی توانستن، وقتی به کار می‌رود موضوع قدرت و یا امکان و یا اجازهٔ انجام یک کار مطرح باشد. همان‌طور که در ادامه مشاهده می‌کنید، به خاطر وجود فعل مدال در جمله، مصدر فعل اصلی در آخر جمله واقع شده است.

Du **kannst** wirklich toll **kochen**! تو واقعاً خیلی خوب می‌توانی آشپزی کنی.

فعل können برای اجازه خواستن و اجازه دادن نیز استفاده می‌شود.

Du **kannst** gern mein Auto **nehmen** .

تو **می‌توانی** (با میل اجازه می‌دهم) ماشین من را برداری.

Kann ich deinen Radiergummi nehmen ?

می‌توانم (اجازه دارم) مداد پاک‌کن تو را بردارم؟

صرف فعل können بی‌قاعده است و به این شکل است که در صیغه‌های مفرد، تغییر مصوت (a → ö) صورت می‌گیرد، ضمن این‌که صیغه‌های اول شخص و سوم شخص (چه مفرد و چه جمع) در تمامی افعال مدال یکسان هستند.

					können
مفرد	ich	*kann*	جمع	wir	können
	du	*kannst*		ihr	könnt
	er/sie	*kann*		sie/Sie	können

تغییر مصوت در صرف افعال بی‌قاعده

در صرف بسیاری از افعال بی‌قاعده یک مُصوَت یا حرف صدادار که شامل حروف a، e، i، o، u می‌شود، موقع صرف فعل تغییر می‌کند. این تغییر حرف صدادار در ریشهٔ فعل صورت می‌گیرد و اکثراً در صیغه‌های **دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد** اتفاق می‌افتد. تغییر مصوت اکثراً به این سه شکل اتفاق می‌افتد:

a→ä	**e→i**	**e→ie**

در این‌جا با سه فعل که در صرف آن‌ها تغییر مصوت صورت می‌گیرد آشنا می‌شوید:

	fahren	**lesen**	**treffen**
ich	fahre	lese	treffe
du	*fährst*	*liest*	*triffst*
er,es,sie	*fährt*	*liest*	*trifft*

۱. **fahren** (سواره رفتن، رفتن، راندن):

آیا تو زیاد دوچرخه سواری می‌کنی؟ **Fährst** du oft Rad?

۲. **lesen** (خواندن):

آیا تو زیاد (کتاب و روزنامه) می‌خوانی؟ **Liest** du oft?

۳. **treffen** (کسی را دیدن، ملاقات کردن):

آیا تو دوستانت را زیاد می‌بینی؟ **Triffst** du oft deine Freunde?

تأکید کردن با ja، aber و wirklich

در آلمانی می‌توان با کلمات بخصوصی، یک قید را مورد تأکید قرار داد. در این‌جا با کلمات ja، aber و wirklich آشنا می‌شوید. کلمات ja و aber معمولاً قبل از یک قید قرار می‌گیرند، اغلب می‌توان آن‌ها را «واقعاً» ترجمه کرد.

Du kannst **ja** toll singen! تو واقعاً خیلی خوب می‌توانی آواز بخوانی.

Du kannst **aber** toll singen! تو واقعاً خیلی خوب می‌توانی آواز بخوانی.

کلمهٔ wirklich نیز همین عملکرد را دارد:

Du kannst **wirklich** toll singen. تو واقعاً خوب می‌توانی آواز بخوانی.

قید gern (با علاقه)

قید gern می‌تواند با بسیاری از افعال همراه شود و بیان کند که ما چیزی را با علاقه و با میل و رغبت انجام می‌دهیم. gern گاهی gerne نیز گفته و نوشته می‌شود.

Liest du **gern** ?

آیا تو با علاقه مطالعه می‌کنی؟ (کتاب خواندن را دوست داری؟)

Triffst du **gern** deine Geschwister?

آیا تو خواهر و برادرت را با میل و رغبت ملاقات می‌کنی؟

(آیا از دیدن خواهر و برادرت لذت می‌بری؟)

قید gern منفی هم می‌شود، به این‌صورت که قبل از آن nicht قرار می‌گیرد:

Ich fahre **nicht gern** Ski.

من با علاقه اسکی بازی نمی‌کنم (علاقه‌ای به اسکی ندارم).

فصل ۸

صرف فعل wissen (دانستن)

فعل wissen به معنای «دانستن» به این شکل صرف می‌شود: صیغه‌های جمع معمولی صرف می‌شوند، ولی صرف صیغه‌های مفرد را باید به خاطر سپرد. اول شخص و سوم شخص مفرد شبیه هم هستند.

Wissen					
wissen	wir	جمع	*weiß*	ich	مفرد
wisst	ihr		*weißt*	du	
wissen	sie/Sie		*weiß*	er/sie	

من این را نمی‌دانم. Ich weiß es nicht.

فرق wissen و kennen

دو فعل wissen و kennen بسیار با هم اشتباه گرفته شده و گاهی جابه‌جا استفاده می‌شوند. فعل wissen به معنی دانستن و اطلاع داشتن و فعل kennen به معنی شناختن است. هر دو فعل با حالت دستوری آکوزاتیو استفاده می‌شوند.

من این مرد را نمی‌شناسم. Ich kenne den Mann nicht.

من می‌دانم. او اهل اوکراین است. Ich weiß. Er kommt aus der Ukraine.

جایگاه فعل در جملات خبری

هر جمله از واحدهای مختلفی تشکیل شده است مثل: فعل، فاعل، مفعول، انواع قید و اطلاعات زمانی و مکانی. هر یک از این واحدها در جمله جایگاه مخصوص به خود را دارد. یکی از مهم‌ترین نکات دستور زبان آلمانی «جایگاه فعل» در جمله است. فعل در جملات خبری همیشه در جایگاه «دوم» قرار می‌گیرد. در جایگاه اول، یا فاعل قرار می‌گیرد یا مفعول، قید یا اطلاعات زمانی و مکانی. این سه جمله را با هم مقایسه کنید:

Ich **habe**[2] heute Abend leider keine Zeit. امشب متأسفانه وقت ندارم.

Heute Abend **habe**[2] ich leider keine Zeit. امشب متأسفانه وقت ندارم.

Leider **habe**[2] ich heute Abend keine Zeit. متأسفانه، امشب وقت ندارم.

همان‌طور که می‌بینید، فعل، در هر سه جمله در مکان دوم قرار گرفته است و در مکان اول، یا فاعل قرار گرفته (ich) یا قید (leider) و یا اطلاعات زمانی (Heute Abend). فاعل (ich) در جملات پایه در نزدیک‌ترین مکان نسبت به فعل صرف‌شده قرار می‌گیرد: بلافاصله قبل یا بلافاصله بعد از آن.

حروف اضافهٔ زمانی am و um

am به معنای «در تاریخِ» یا «در» و um به معنای « در ساعتِ» می‌توانند به عنوان حروف اضافه زمانی به کار روند. am همراه روزهای هفته (Montag، Sonntag،...) و اوقات روز (Morgen، Nachmittag،...) می‌آید. حرف اضافهٔ um برای بیان ساعت استفاده می‌شود. در فارسی اغلب نیازی به ترجمه آن‌ها نیست.

Am Montag um 8 treffe ich meine Freunde.

دوشنبه ساعت ۸ دوستانم را می‌بینم.

Am Nachmittag kommt Anna. آنا بعد از ظهر می‌آید.

Um drei gehe ich ins Museum. ساعت ۳ به موزه می‌روم.

حرف اضافهٔ in و شکل ins در بیان جهت و مقصد

حرف اضافهٔ **in** می‌تواند به عنوان حرف اضافهٔ مکانی برای نشان دادن جهت‌ها و مقاصد در پاسخ به سؤال wohin? (به کجا؟) مورد استفاده قرار گیرد. in به معنای «به» یا «به درون» می‌باشد و اغلب ترجمه نمی‌شود. در صورتی که بخواهیم جهت و مقصد را نشان دهیم، پس از این حرف اضافه حالت دستوری آکوزاتیو به کار می‌بریم. حرف in همراه حرف تعریف معیّن das در حالت آکوزاتیو، شکل ins را پدید می-آورد.

Wohin gehst du am Nachmittag? تو بعد از ظهر به کجا می‌روی؟

Ich gehe in eine Ausstellung. من به یک نمایشگاه می‌روم.

Karina geht ins Schwimmbad. کارینا به استخر می‌رود

morgen و Morgen

morgen به معنای فردا، قیدی است که به تنهایی و یا همراه اوقات روز به کار می‌رود و کوچک نوشته می‌شود، درحالی‌که Morgen به معنای صبح، اسم است و بزرگ نوشته می‌شود.

Er fährt morgen Nachmittag nach Kanada .

او فردا بعد از ظهر به کانادا می‌رود.

«فردا صبح» را با Am Morgen و یا با morgen früh بیان می‌کنند:

Morgen früh frühstücken wir zusammen .

فردا صبح با هم صبحانه می‌خوریم (**morgen**: فردا – اول جمله، بزرگ).

جایگاه اطلاعات زمانی در جمله

اصولاً یک آلمانی تمایل دارد ابتدا زمان را بیان کند، سپس مکان را. اطلاعات زمانی همواره پیش از اطلاعات مکانی واقع می‌شوند.

Karina geht **heute** mit Manuel **ins Restaurant** .

کارینا امروز با مانوئل به رستوران می‌رود.

فصل ۹

فعل mögen

فعل mögen به معنی «دوست داشتن» اغلب برای بیان «علاقه یا عدم علاقه» به کار می‌رود و به این صورت صرف می‌شود:

					mögen
مفرد	ich	*mag*	جمع	wir	mögen
	du	*magst*		ihr	mögt
	er/sie	*mag*		sie/Sie	mögen

من پیتزا دوست دارم. Ich mag Pizza gern.

آیا تو پنیر دوست داری؟ Magst du Käse ?

شوهر من آبجو دوست ندارد. Mein Mann mag kein Bier.

من از تو خوشم می‌آید. Ich mag dich.

در بسیاری از منابع فعل mögen یک فعل مدال معرفی می‌شود، اما به شرطی که همراه با مصدر یک فعل دیگر که در آخر جمله می‌نشیند استفاده شود.

من به پیانو نواختن علاقه دارم. Ich mag Piano spielen.

فعل مدال möchten

فعل مدال möchten وجه کنیونکتیو۲[1] از فعل mögen است. فعل möchten وقتی استفاده می‌شود که «تمایل به انجام دادن عملی» (Wunsch) داریم. اول شخص و سوم شخص افعال مدال همیشه شبیه همدیگر هستند.

möchten					
möchten	wir	جمع	möchte	ich	مفرد
möchtet	ihr		*möchtest*	du	
möchten	sie/Sie		*möchte*	er/sie	

این فعل اغلب همراه با مصدر فعل اصلی استفاده می‌شود. این مصدر در آخر جمله قرار می‌گیرد.

Ich **möchte** noch ein Stück Pizza **essen**.
من میل دارم (یا می‌خواهم) یک تکه پیتزای دیگر هم بخورم.

Ich **möchte** nächstes Jahr nach Deutschland **gehen** .

من می‌خواهم سال بعد به آلمان بروم.

Möchtest du mit mir ausgehen? — میل داری با من بیرون بروی؟

[1] با وجه کنیونکتیو ۲ [Konjunktiv II] در فصل ۲۴ و کتاب‌های مقاطع بعدی به تدریج آشنا می‌شوید.

فعل بی‌قاعدهٔ essen (خوردن)

در صرف فعل essen تغییر مصوت (e → i) صورت می‌گیرد. شکل دوم شخص و سوم شخص مفرد شبیه هم هستند. فعل essen فقط در مورد خوردن جامدات (به غیر از قرص) به کار می‌رود. برای مایعات از کلمهٔ trinken استفاده می‌شود.

essen						
essen	wir	جمع	esse	ich	مفرد
esst	ihr		*isst*	du	
essen	sie/Sie		*isst*	er/sie	

جمعه ماهی می‌خوریم. Am Freitag essen wir Fisch.

ساخت اسم‌های‌مرکب

در آلمانی اغلب دو اسم به هم می‌پیوندند و تشکیل یک **اسم مرکب** یا (Kompositum) می‌دهند. جنسیت و مفرد یا جمع بودن یک اسم مرکب را همیشه آخرین کلمه در ترکیب، نشان می‌دهد.

Der Käse + die Pizza → die Käse**pizza** پیتزای پنیری

Die Pizza + der Käse → der Pizza**käse** پنیر پیتزا

همیشه کلمهٔ آخر ترکیب معنای اصلی اسم مرکب را معیّن می‌کند. یک Käsepizza یک پیتزا است نه یک پنیر و یک Pizzakäse یک پنیر است، نه یک پیتزا. بنابراین بهتر است اسامی مرکب را از آخر به اول بخوانیم.

فصل ۱۰

افعال جداشدنی

فعل‌های زبان آلمانی می‌توانند پیشوندهای جداشدنی داشته باشند. این پیشوندها معنی قسمت اصلی فعل را دقیق‌تر می‌کنند و یا به کلی معنی فعل را عوض می‌کنند و یک فعل جدید تشکیل می‌دهند، مثل: پیشوند an در فعل **an**rufen (زنگ زدن) و یا پیشوند ein در فعل **ein**kaufen (خرید کردن) و یا پیشوند fern در فعل **fern**sehen (تلویزیون نگاه کردن). در جملهٔ خبری زمان حال، پیشوند از فعل جدا می‌شود و به آخر جمله می‌رود. بسیار مهم: پیشوندهای افعال جداشدنی را با حروف اضافه، مانند vor (جلوی)، nach (بعد از)، aus (از) و ... اشتباه نگیرید.

Ich **rufe** dich **an**.	من به تو زنگ می‌زنم.
Er **kauft** im Supermarkt **ein**.	او در فروشگاه خرید می‌کند.
Wir **sehen** heute Abend **fern**.	ما امروز تلوزیون نگاه می‌کنیم.

در ادامه با پیشوندهای پراستفاده و معانی آن‌ها آشنا می‌شوید.

ab- → abfahren عزیمت کردن، راه افتادن

an- → ankommen رسیدن

aus- → aussteigen پیاده شدن

auf- → aufräumen جمع و جور کردن

ein - → einkaufen خرید کردن

mit- → mitbringen با خود آوردن

um- → umsteigen قطار عوض کردن

weiter- → weiterfahren به مسیر ادامه دادن

zurück- → zurückfahren برگشتن

پیشوندهای جداشدنی پرکاربرد دیگر -vor، nach، -runter، -raus و rauf هستند.

روش ساخت جملهٔ پرسشی بله‌خیری با این افعال به این گونه است که قسمت اصلی فعل در اول جمله قرار می‌گیرد. پیشوند به آخر جمله می‌رود:

Kaufst du heute Abend **ein**? آیا تو امشب خرید می‌کنی؟

طریقهٔ ساخت جملهٔ پرسشی توضیحی (W-Frage) با این افعال به این گونه است که قسمت اصلی فعل در جایگاه دوم (معمولاً بلافاصله پس از کلمهٔ پرسشی) قرار می‌گیرد. پیشوند به آخر جمله می‌رود:

Wo kaufst du heute Abend ein? امشب کجا خرید می‌کنی؟

Wann rufst du mich an? کی به من زنگ می‌زنی؟

فعل بی‌قاعدهٔ nehmen

					nehmen
مفرد	ich	nehme	جمع	wir	nehmen
	du	*nimmst*		ihr	nehmt
	er/sie	*nimmt*		sie/Sie	nehmen

این فعل به معنای «برداشتن» است و به این شکل صرف می‌شود که در دوم شخص و سوم شخص مفرد همانند فعل essen تغییر مصوت (i → e) صورت می‌گیرد، ضمن این‌که حرف m دوبار نوشته می‌شود و حرف i کوتاه تلفظ می‌شود.

من یک کیلو سیب‌زمینی برمی‌دارم. Ich nehme ein Kilo Kartoffeln.

ضمایر شخصی ich و du در حالت آکوزاتیو

ضمیر کلمه‌ای است که در جمله به جای یک اسم می‌نشیند. وقتی ضمیر شخصی، یک مفعول بی‌واسطه یا به عبارتی مفعول رایی باشد، این ضمیر در حالت آکوزاتیو ظاهر می‌شود. در این‌جا با دو ضمیر mich و dich آشنا می‌شوید.

ضمایر شخصی در حالت نومیناتیو	ضمایر شخصی در حالت آکوزاتیو
ich	**mich**
du	**dich**

Holst du **mich** am Bahnhof ab?
آیا تو می‌آیی من را در ایستگاه راه آهن با خود ببری؟

Ja, ich hole **dich** ab. بله، من می‌آیم تو را می‌برم.

آیا تو به من زنگ می‌زنی؟ Rufst du **mich** an?

بله، من دوشنبه به تو زنگ می‌زنم. Ja, ich rufe **dich** am Montag an.

نکته‌ای در مورد «متعدی بودن» در آلمانی و فارسی

در آلمانی بسیاری از افعال هستند که از لحاظ لازم یا متعدی بودن با فارسی همخوانی ندارند. مثلاً فعل anrufen در آلمانی فعلی متعدی است. برای تشخیص متعدی بودن می‌توان از ساخت پرسش کمک گرفت، مثلاً:

به چه کسی زنگ می‌زنید؟ Wen rufen Sie an?

چون این فعل متعدی است باید مفعول **بی‌واسطه** در حالت آکوزاتیو داشته باشد. ولی «زنگ زدن» در فارسی فعلِ لازم است و با متمم «به کسی» می‌آید. به همین خاطر، همیشه باید حالت دستوریِ هر فعل (Kasus) را همراه آن فعل فرا گرفت و به خاطر سپرد تا بتوان آن فعل را درست به کار برد. این حالت دستوری در واژه‌نامهٔ آلمانی فارسی Menschen ویرایش ۱۴۰۱ در کنار هر فعل قرار داده شده است، مثلاً:

anrufen + Akkusativ

Ich rufe **dich** an. من به تو زنگ می‌زنم.

fragen + Akkusativ

Ich frage **dich**. من از تو سؤال می‌کنم.

تفاوت فعل‌های anrufen و telefonieren

فعل anrufen همان‌طور که گفته شد، به معنای زنگ زدن است و بدون حرف اضافه، فقط با مفعول بی‌واسطه در حالت آکوزاتیو (mich، dich، Ali) به کار می‌رود. ولی فعل telefonieren به معنای صحبت کردن پای تلفن است و همراه حرف اضافهٔ mit به کار می‌رود.

Ich **rufe** dich heute **an**. من امروز به تو زنگ می‌زنم.

Ich **telefoniere** lange mit meiner Tochter.

من با دخترم زمان طولانی پای تلفن صحبت می‌کنم.

جایگاه nicht در افعال جداشدنی

وقتی اجزای یک فعل جداشدنی در جمله جدا می‌شوند، کلمهٔ منفی‌کنندهٔ nicht می‌تواند بلافاصله پیش از پیشوندی که در آخر جمله می‌نشیند، قرار گیرد. nicht همچنین می‌تواند پیش از حروف اضافه و قیدها و ... نیز قرار گیرد.

Anna steigt in Hamburg **nicht** *um*. آنا در هامبورگ قطار عوض نمی کند.

فصل ۱۱

زمان پرفکت

زمان پرفکت یک زمان دستوری است که برای صحبت در مورد گذشته به کار می‌رود. پرفکت «تقریباً همیشه» ماضی ساده فهمیده می‌شود (مثل رفت، گرفت)، یعنی عملی که در گذشته به اتمام رسیده و اثری از خود به جا نگذاشته است. ولی در برخی از جملات، که درصد بسیار کمی را تشکیل می‌دهند، پرفکت می‌تواند بسته به متن گفتگو ماضی نقلی و یا حتی ماضی استمراری ترجمه شود. پس یک جملهٔ پرفکت می‌تواند بسته به متن گفتگو به یکی از این سه گونه ترجمه شود:

(ماضی ساده) من کار کردم. Ich habe gearbeitet.

(ماضی نقلی) من کار کرده‌ام. Ich habe gearbeitet.

(ماضی استمراری) من کار می‌کردم. Ich habe gearbeitet.

مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهندهٔ پرفکت

پرفکت از دو جزء مهم تشکیل شده است:

۱. فعل کمکی haben (صرف‌شده به زمان حال!) که هیچ معنایی نمی‌دهد. در تعداد معدودی از افعال، بجای haben، sein قرار می‌گیرد که در فصل بعد تشریح می‌شود.

۲. پارتیسیپ (Partizip) مثل: gemacht, gekocht, gelernt که در فارسی به آن اسم‌مفعول گفته می‌شود. این قسمت، معنای اصلی جمله را در خود دارد.

جایگاه کلمات در جملات پرفکت

در جملهٔ خبری و در جملهٔ سؤالی توضیحی، فعل کمکی haben به زمان حال صرف می‌شود و در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. پارتیسیپ در آخر جمله می‌نشیند.

Was hast[2] du gestern gemacht[آخر]? — تو دیروز چه کار کردی؟

Ich habe[2] gestern eine Suppe gekocht[آخر]. — من دیروز یک سوپ پختم.

در جمله‌های سؤالی بله‌خیری فعل کمکی haben در جایگاه **اول** قرار می‌گیرد. پارتیسیپ همیشه بدون تغییر در آخر جمله قرار می‌گیرد.

Hast[1] du gestern eine Suppe gekocht[آخر]? — تو دیروز یک سوپ پختی؟

دسته‌بندی پارتیسیپ‌ها

سخت‌ترین مسأله در مورد ساختن پرفکت، ساختن پارتیسیپ است. پارتیسیپ‌ها به سه گروه تقسیم‌بندی می‌شوند.

۱. **گروه اول** پارتیسیپ‌ها اصطلاحاً «باقاعده» (regelmäßig) نامیده می‌شوند.
این دسته از پارتیسیپ‌ها تغییری در ریشه ندارند و به t- ختم می‌شوند.

machen[مصدر] → mach[ریشه] → **ge**mach**t**[پارتیسیپ]

telefonieren[مصدر] → telefonier[ریشه] → telefonier**t**[پارتیسیپ]

۲. گروه دوم پارتیسیپ‌ها در انتها n- و یا en- دارند و اصطلاحاً «بی‌قاعده» (unregelmäßig) نامیده می‌شوند. در برخی از این پارتیسیپ‌ها تغییری در ریشه صورت گرفته است.

schreiben مصدر → schreib ریشه → schrieb تغییر ریشه → **ge**schrieben پارتیسیپ

۳. گروه سوم پارتیسیپ‌ها **مرکب** (gemischt) هستند، یعنی هم تغییر در ریشه دارند و هم در انتها به t- ختم می‌شوند. دو فعل denken و bringen از این جمله‌اند. این گونه پارتیسیپ‌ها بسیار کمیاب هستند.

denken مصدر → denk ریشه → dach تغییر ریشه → gedacht پارتیسیپ.

در ساخت پارتیسیپ، اصولاً این‌که از کجا بدانیم که پارتیسیپ یک فعل به t یا به n ختم می‌شود، غیر ممکن است و باید پارتیسیپ همهٔ افعال را از حفظ کرد. فهرست پارتیسیپ همهٔ فعل‌های کتاب Menschen-A1 در آخر این کتاب گردآوری شده است تا بتوانید هر چه سریع‌تر به حفظ کردن آن‌ها اقدام کنید. با این حال یک نکته قابل پیش‌بینی است و آن این است که همیشه می‌توان فهمید که پارتیسیپ یک فعل ge خواهد داشت یا نه. در ادامه به این موضوع می‌پردازیم:

پارتیسیپ با -ge و بدون -ge

هر چند نمی‌توان دانست که آخر یک پارتیسیپ به t یا به n ختم می‌شود، اما می‌توان دانست که آیا یک پارتیسیپ ge خواهد داشت یا نه و اگر بله، کجای کلمه. در این‌جا سه طریق ساخت پارتیسیپ نشان داده می‌شود. دسته چهارمی نیز وجود دارد که در فصل ۱۹ توضیح داده می‌شود.

دستهٔ اول پارتیسیپ‌ها تنها از افعال سادهٔ یک قسمتی (بدون پیشوند) ساخته شده‌اند، مانند: machen, lernen, kommen, gehen, essen و غیره. در این پارتیسیپ‌ها ge در اول کلمه قرار می‌گیرد.

machen → **ge**macht lernen → **ge**lernt
kommen → **ge**kommen kochen → **ge**kocht

Peter hat gestern eine SMS **ge**schrieben. پتر دیروز یک پیامک نوشت.

دستهٔ دوم پارتیسیپ‌ها از افعال جداشدنی ساخته شده‌اند، مانند: ankommen, einkaufen, fernsehen و غیره (م.ک. فصل ۱۰). در این پارتیسیپ‌ها ge بین پیشوند و قسمت اصلی فعل قرار می‌گیرد.

ankommen → an**ge**kommen einkaufen → ein**ge**kauft

Ich habe heute lange ein**ge**kauft. امروز زمان زیادی خرید کردم.

دستهٔ سوم پارتیسیپ‌ها از افعالی که مصدر آن‌ها به ieren- ختم می‌شود ساخته می‌شود، مانند: telefonieren, fotografieren, studieren. این پارتیسیپ‌ها اصلاً ge نمی‌گیرند. برای ساخت این پارتیسیپ‌ها فقط باید en مصدر را حذف کرد و به جای آن t- گذاشت.

telefonieren → telefoniert studierenn → studiert

Maria hat mit ihrer Freundin **telefoniert**.
ماریا با دوستش تلفنی صحبت کرد.

جایگاه nicht در جملات پرفکت

در جملات پرفکت، nicht می‌تواند بلافاصله قبل از پارتیسیپ قرار گیرد. nicht می‌تواند علاوه بر این، قبل از حرف اضافه و قید نیز قرار گیرد.

او امروز پتر را ندیده است. Er hat heute Peter **nicht** *gesehen*.

زمان دستوری پرتریتوم و گذشتهٔ فعل haben

زمان دستوری پرتریتوم نیز مانند پرفکت یک زمان دستوری گذشته در زبان آلمانی است. معادل آن در فارسی می‌تواند بسته به متن گفتگو، ماضی ساده یا ماضی استمراری باشد، بنابراین از نظر معنی فرقی با پرفکت ندارد. برخی از افعال هستند که بیشتر در حالت پرتریتوم به کار برده می‌شوند و بسیار کم در حالت پرفکت به کار برده می‌شوند. فعل haben از این دسته است. پس به جای این‌که با زمان پرفکت بگویند:

من خیلی کار داشتم. Ich **habe** viel Arbeit **gehabt**.

ترجیح می‌دهند با زمان پرتریتوم بگویند:

من خیلی کار داشتم. Ich **hatte** viel Arbeit.

هر دو جمله یک معنی می‌دهند، ولی جملهٔ دوم متداول‌تر است.

در صرف پرتریتوم فعل haben ، اول شخص و سوم شخص شبیه هم هستند.

haben (پرتریتوم)					
hatten	wir	جمع	hatte	ich	مفرد
hattet	ihr		hattest	du	
hatten	sie/Sie		*hatte*	er/sie	

حروف اضافهٔ زمانی von... bis و ab

حرف اضافهٔ von... bis بیانگر مدت زمان است و معنای «از... تا...» می‌دهد.

Von 9 **bis** 14 Uhr arbeite ich im Büro.

از ساعت ۹ تا ساعت ۱۴ در دفتر کار می‌کنم.

حرف اضافهٔ ab به معنای «از... به بعد» است. ولی توجه کنید که ab برای اتفاقاتی که از گذشته تاکنون ادامه داشته‌اند به کار نمی‌رود. برای این منظور از حرف اضافه seit (از... تا حالا) استفاده می‌کنیم که در فصل ۱۲ و ۱۳ مطرح می‌شود.

Der Chef ist **ab** 10 Uhr im Büro. رئیس **از** ساعت ۱۰ به بعد در دفتر است.

صفت -letzt برای اشاره به زمان گذشته

حالت آکوزاتیو فقط برای نشان دادن مفعول بی‌واسطه به کار نمی‌رود. آکوزاتیو برای بیان زمان و مدت زمان نیز به کار می‌رود. صفت -letzt به معنی «گذشته» از جمله کلماتی است که در حالت آکوزاتیو و بدون حرف تعریف برای بیان زمانی در گذشته استفاده می‌شود و بسته به جنسیت اسم پس از آن تغییر می‌کند.

چهارشنبهٔ پیش	letzt**en** Mittwoch	مذکر
سال پیش	Letzt**es** Jahr	خنثی
هفتهٔ پیش	letzt**e** Woche	مؤنث

Was hast du **letzten** Freitag gemacht? جمعهٔ پیش چه کار کردی؟

صفت -ganz برای بیان مدت زمان

صفت -ganz از جمله کلماتی است که همراه حرف تعریف، در حالت آکوزاتیو، برای بیان مدت زمان استفاده می‌شود و بسته به جنسیت اسم پس از آن تغییر می‌کند.

کل روز	**den** ganzen Tag	مذکر
کل سال	**das** ganze Jahr	خنثی
کل هفته	**die** ganze Woche	مؤنث

Ich habe heute **den ganzen** Tag mit Kunden gesprochen.

امروز تمام روز (را) با مشتریان صحبت کردم.

فعل بی‌قاعدۀ einladen

فعل einladen (دعوت کردن) بی‌قاعده و جداشدنی است و در صرف آن در دوم و سوم شخص مفرد، تغییر مصوت ä → a صورت می‌گیرد.

Einladen					
laden ein	wir	جمع	lade ein	ich	مفرد
ladet ein	ihr		*lädst ein*	du	
laden ein	sie/Sie		*lädt ein*	er/sie	

امشب دوستان را دعوت می‌کنم. Heute Abend **lade** ich Freunde **ein**.

حال استمراری

همان‌طور که در فصل اول تشریح شد، زمان پرزنس (حال) می‌تواند دو معنی بدهد، حال استمراری و حال مستمر:

ماریا موسیقی گوش می‌کند (حال استمراری).	Maria hört Musik.
ماریا **دارد** موسیقی گوش می‌کند (حال مستمر).	Maria hört Musik.

این‌که کدام معنا از جملات مشابه درک شود، بستگی به محیط جمله دارد. با آوردن قید gerade (اکنون) همراه با فعل زمان حال، جمله فقط به صورت «حال مستمر» درک می‌شود، یعنی عملی که در حال اتفاق افتادن است. در فارسی این ساختار را با فعل «داشتن» به همراه فعل در زمان حال بیان می‌کنند و در انگلیسی با ing. بنابراین این جملات فقط حال مستمر درک می‌شوند:

ماریا دارد موسیقی گوش می‌کند.	Maria hört **gerade** Musik.
سلام آنیا. داری چه کار می‌کنی؟	Hallo, Anja. Was machst du gerade?
من دارم صبحانه می‌خورم.	Ich frühstücke gerade.
داری به کجا می‌روی؟	Wohin fährst du gerade?
من دارم به خانه می‌روم.	Ich fahre gerade nach Hause.

بنابراین، بدون gerade نیز در شرایطی حالت مستمر فهمیده می‌شود، اما با این قید تأکید بیشتری بر استمرار می‌شود.

فصل ۱۲

ساخت پرفکت با فعل کمکی sein

در تعداد کمی از افعال، به جای این‌که پرفکت با فعل کمکی haben ساخته شود، با فعل کمکی sein ساخته می‌شود. فعل sein به زمان حال صرف می‌شود، و پارتیسیپ در آخر جمله قرار می‌گیرد. ساخت پارتیسیپ نیز در فصل قبلی شرح داده شد.

من به خانه رفتم.	Ich bin nach Hause gegangen.
تو به کانادا پرواز کردی.	Du bist nach Kanada geflogen.
او چاق شده است.	Er ist dick geworden.
ما این‌جا ماندیم.	Wir sind hier geblieben.
شماها بسیار سفر کرده‌اید.	Ihr seid viel gereist.
آن‌ها دیروز در برلین بودند.	Sie sind gestern in Berlin gewesen.

این گونه پرفکت نیز می‌تواند یکی از سه معنی ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی استمراری بدهد. در متن گفتگو معلوم می‌شود کدام مد نظر است. افعالی که با sein پرفکت می‌سازند به این سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. برخی از این افعال حرکتی هستند (حرکت از یک نقطه به یک نقطهٔ دیگر)، مانند: fahren, gehen, reisen, fliegen و غیره.

او به آلمان رفت. Er **ist** nach Deutschland gefahren.

۲. برخی از این افعال بیانگر تغییر وضعیت هستند، مانند: werden (شدن) و einschlafen (به خواب رفتن)

او خیلی زود به خواب رفت. Er ist sehr früh **eingeschlafen**.

او دیروز سی ساله شد. Gestern ist sie 30 **geworden**.

۳. برخی از این افعال باید به خاطر سپرده شوند، مانند: sein, bleiben و تعدادی دیگر که در فهرست آخر کتاب آمده است.

او امروز در مونیخ ماند Er **ist** heute in München **geblieben**.

توماس دیروز در برلین بود. Thomas **ist** gestern in Berlin **gewesen**.

گذشتهٔ فعل sein

گذشتهٔ فعل sein به معنای «بودن» نیز همچون فعل haben (داشتن) ترجیحاً در زمان پرتریتوم استفاده می‌شود و کمتر زمان پرفکت از آن ساخته می‌شود و معنا تفاوتی هم ندارد. پس به جای این‌که بگویند:

من در اکتبرفست بودم. Ich **bin** auf dem Oktoberfest **gewesen**.

بیشتر می‌گویند:

من در اکتبرفست بودم. .Ich **war** auf dem Oktoberfest

sein (پرتریتوم)					
waren	wir	جمع	war	ich	مفرد
wart	ihr		*warst*	du	
waren	sie/Sie		*war*	er/sie	

حروف اضافۀ زمانی im و seit

حرف اضافۀ im (در واقع in+ dem) به معنای «در» همراه با ماه‌ها و فصل‌ها استفاده می‌شود و اغلب ترجمه نمی‌شود.

Ich fahre **im** Oktober nach München. من اکتبر به مونیخ می‌روم

Ich mache immer **im** Januar Urlaub. من همیشه ژانویه مرخصی می‌روم.

حرف اضافۀ seit (از... تاکنون، به انگلیسی: since) در کتاب منشن مطرح نشده، ولی شرح آن لازم است. این حرف تعریف بیانگر مدت زمان، از یک نقطه در گذشته، تا اکنون می‌باشد. اسمی که پس از seit قرار می‌گیرد در حالت دستوری داتیو است، حتی اگر حالت دستوری آن دیده نشود. دربارۀ داتیو در درس بعد بیشتر توضیح داده می‌شود. seit می‌تواند با یک تاریخ همراه شود:

Den Karneval in Köln gibt es **seit** 1823.

این کارناوال در کلن **از** سال ۱۸۲۳ تا کنون وجود دارد.

Seit Oktober lerne ich Deutsch.

از اکتبر تا حالا در حال دارم آلمانی یاد می‌گیرم.

seit همراه با کلماتی همچون Jahr,-e (سال)، Monat,-e (ماه)، Woche,-n (هفته)، Tag,-e (روز) و Stunde,-n (ساعت) به این صورت استفاده می‌شود:

مذکر	Seit einem Monat	از یک ماه پیش تا الآن
خنثی	Seit einem Jahr	از یک سال پیش تا الآن
مؤنث	Seit einer Woche	از یک هفته پیش تا الآن
جمع	Seit zwei Monaten	از دو ماه پیش تا الآن

در حالت جمع، به اسم (Monat,-e) یک n اضافه می‌شود.

Ich bin seit zwei Jahre**n** in Deutschland.

از دوسال پیش تاکنون در آلمان هستم.

حروف اضافهٔ مکانی nach و in در پاسخِ wohin

در جواب سؤال wohin (به کجا)، اگر پاسخ ما یک شهر یا کشور باشد، می‌توان از این دو حرف اضافه استفاده کرد:

۱. nach به معنی «به طرف». این حرف اضافه برای شهرها و اکثر کشورها استفاده می‌شود، همچنین استثناً برای کلمهٔ «خانه» (توضیحات در قسمت بعد).

Wohin fahren[2] Sie dieses Jahr? — امسال به کجا می‌روید؟

.Ich möchte dieses Jahr **nach Deutschland** fahren

من میل دارم امسال به آلمان بروم.

Henry fährt im September **nach Berlin**.

هنری در سپتامبر به برلین می‌رود.

۲. حرف اضافه دیگری که در پاسخ wohin به کار می‌رود می‌باشد، in (به، به درونِ) است. این حرف اضافه همراه کشورهای حرف تعریف‌دار به کار می‌رود (فصل ۱). پس از این حرف اضافه، به شرط حرکت، حرف تعریف در حالت «آکوزاتیو» قرار می‌گیرد.

Wohin fahren Sie im Mai? — در ماه می کجا می‌روید؟

Wir fliegen im Mai **in die Türkei**. — ما در ماه می به ترکیه می‌رویم

Wir möchten dieses Jahr **in den Iran** fahren.

ما میل داریم امسال به ایران سفر کنیم.

ترکیب‌های nach Hause و zu Hause

برای گفتن «به خانه» در یک ترکیب ثابت از حرف اضافهٔ nach استفاده می‌شود.

Am Nachmittag fährt er **nach Hause**. او بعد از ظهر به خانه می‌رود.

برای گفتن «در خانه» نیز در یک ترکیب ثابت از حرف اضاف zu استفاده می‌شود. بنابراین، zu در این ترکیب به معنی «به‌طرف» نیست!

Am Abend isst er **zu Hause.** او شب در خانه غذا می‌خورد.

عدد سال

خواندن عدد سال در آلمانی با خواندن اعداد دیگر تفاوت می‌کند. برای خواندن سال میلادی چهار رقمی (از سال ۱۱۰۰ تا سال ۱۹۹۹)، ابتدا دو رقم اول را جدا می‌خوانند، سپس کلمهٔ hundert و سپس دو رقم بعدی را می‌خوانند. تمام حروف مربوط به عدد سال را به هم چسبیده می‌نویسند و حرف اول کوچک نوشته می‌شود.

1982 neunzehn**hundert**zweiundachtzig
1873 achtzehn**hundert**dreiundsiebzig

از سال ۲۰۰۰ به بعد عادی خوانده می‌شود.

2014 zweitausendvierzehn

فصل ۱۳

حالت داتیو

حالت داتیو سومین حالت دستوری زبان آلمانی است. در این جدول حالت‌های داتیو با نومیناتیو مقایسه شده است:

	حروف تعریف در حالت داتیو				
	حروف تعریف معین		حروف تعریف نامعین		
	نومیناتیو	داتیو	نومیناتیو	داتیو	
مذکر	der	**dem**	ein	einem	Zug
خنثی	das	**dem**	ein	einem	Auto
مؤنث	die	**der**	eine	einer	U-Bahn
جمع	die	**den**	ندارد	ندارد	Kinder**n**

در این حالت دستوری، اگر اسم مذکر یا خنثی باشد، حرف تعریف‌اش در شکل مفرد پسوند em- می‌گیرد. اگر اسم مؤنث باشد، حرف تعریف‌اش پسوند er- می‌گیرد. پسوند حرف تعریف داتیو جمع en- می‌باشد. علاوه بر آن، در آخر اسم جمع داتیو نیز n- اضافه می‌شود (پایین جدول).

استثنا: وقتی که حالت جمعِ یک اسم، خود –n و یا –s دارد، دیگر به این –n اضافی نیاز نیست.

Bernd geht **mit dem** Auto einkaufen.	برنت **با** اتومبیل به خرید می‌رود.
Ich fahre **mit der U-Bahn** zur Arbeit	من با مترو سر کار می‌روم.
Er geht **mit den Kindern** zur Schule.	او با بچه‌ها به مدرسه می‌رود.

حروف اضافهٔ مکانی

حروف اضافهٔ مکانی این ۹ حرف اضافه هستند:

auf	an	neben	in	hinter	vor	unter	über	zwischen
روی	بغل	کنار	توی	پشت	جلوی	زیر	بالای	بین

اسمی که پس از این حرف اضافه قرار می‌گیرد، در حالت داتیو است و حالت داتیو، خود را معمولاً در حرف تعریف (معین، نامعین، منفی‌کننده) نشان می‌دهد. شرط داتیو بودن اسم پس از حرف اضافه این است که این حروف اضافه در پاسخ سؤالی باشند که با wo (کجا) شروع شود، نه wohin (به کجا)، حتی اگر این سؤال در گفتگو مطرح نشده باشد. در این باره در فصل ۲ کتاب A2 به تفصیل توضیح داده می‌شود. به این مثال‌ها دقت کنید.

Wo liegt das Buch?	کتاب کجا قرار دارد؟
Das Buch liegt **auf** dem Tisch.	کتاب روی میز است.
Wo wartet der Mann?	آن مرد کجا منتظر است؟
Der Mann wartet **an** der Ampel.	مرد بغل چراغ راهنمایی منتظر است.
Wo ist das Cafe´?	آن کافه کجاست؟
Das Cafe´ist **in** der Stadtmitte.	کافه در مرکز شهر است.
Wo ist die Bank?	آن بانک کجاست؟
Die Bank ist **neben** der Post.	بانک نزدیک ادارهٔ پست است.
Wo ist der Parkplatz?	آن پارکینگ کجاست؟

Der Parkplatz ist **hinter** dem Hotel. — پارکینگ پشت هتل است.

Wo ist Ihr Auto? — ماشین شما کجاست؟

Mein Auto ist **vor** einem Haus. — ماشین من جلوی یک ساختمان است.

Wo steht der Mann? — آن مرد کجاست؟

Der Mann steht **unter** der Brücke. — مرد زیر پل ایستاده است.

Wo hängt der Kalender? — تقویم کجا آویزان است؟

Der Kalender hängt **über** dem Bett. — تقویم بالای تختخواب آویزان است.

Wo ist die Kirche? — آن کلیسا کجاست؟

Die Kirche ist **zwischen** einem Park und einem Parkplatz. — کلیسا بین یک پارک و یک پارکینگ است.

برخی از حروف اضافه می‌توانند در حالت داتیو با حرف تعریف معیّن ادغام شوند.

an + dem → **am**

in + dem → **im**

Das Cafe´ist **im** Stadtzentrum. — کافه در مرکز شهر است

Ich sitze **am** Tisch. — من پشت میز نشسته‌ام.

اما حروف اضافهٔ an یا in با der ترکیب تشکیل نمی‌دهند.

فعل بی‌قاعدهٔ helfen

					helfen
مفرد	ich	helfe	جمع	wir	helfen
	du	*hilfst*		ihr	helft
	er/sie	*hilft*		sie/Sie	helfen

صرف فعل helfen (کمک کردن) بی‌قاعده است، به این شکل که در این‌جا در دوم شخص و سوم شخص مفرد تغییر مصوت وجود دارد: e → i

Ich **helfe** Peter und du **hilfst** Anna.

من به پتر کمک می‌کنم و تو به آنا کمک می‌کنی.

اعداد ترتیبی در آدرس دادن

اعداد ترتیبی من‌جمله در مواقع آدرس دادن به کار می‌آیند. در آدرس دادن، همراه با اعداد ترتیبی، حرف تعریف اسم (بسته به جنسیت اسم) می‌آید:

اولین erste

Gehen Sie **die erste** Straße links. اولین خیابان به سمت چپ بروید

دومین zweite

Fahren Sie **die zweite** Straße rechts.

دومین خیابان به سمت راست بپیچید.

سومین dritte

Die dritte Straße links ist die Schillerstraße.

سومین خیابانِ سمت چپ، خیابان شیلر است.

فصل ۱۴

ضمایر ملکی sein و ihr در حالت نومیناتیو

وقتی در فارسی می‌گوییم «باغچهٔ او»، مشخص نیست که باغچهٔ کدام شخص (به لحاظ جنس) مورد نظر است. باغچهٔ یک زن یا باغچهٔ یک مرد. ولی در آلمانی، این امر به راحتی با ضمیرهای ملکی sein و ihr ممکن است:

sein Garten: باغچهٔ آن مرد

ihr Garten: باغچهٔ آن زن

در مورد یک اسم خنثی مثل Haus نیز به همین شکل است.

sein Haus: خانهٔ آن مرد. ihr Haus: خانهٔ آن زن.

کلمات sein و ihr هم می‌توانند تغییر کنند، اگر پس از آن‌ها اسم مؤنث مانند Küche (آشپزخانه) و یا اسم در حالت جمع مانند Kinder (بچه‌ها) وجود داشته باشد، در آن صورت این دو ضمیر یک پسوند e- می‌گیرند.

Sein Bruder lebt in London.	برادر او (مرد) در لندن زندگی می‌کند.
Sein Haus liegt am See.	خانه او (مرد) در کنار دریاچه قرار دارد.
Ihre Wohnung ist schön.	آپارتمان او (زن) زیباست.

ضمایر ملکی sein و ihr در حالت نومیناتیو		
	مرجع مرد	مرجع زن
اسم مذکر	sein Garten باغچۀ آن مرد	ihr Garten باغچۀ آن زن
اسم خنثی	sein Haus خانۀ آن مرد	ihr Haus خانۀ آن زن
اسم مؤنث	seine Küche آشپزخانۀ آن مرد	ihre Küche آشپزخانۀ آن زن
اسم جمع	seine Kinder کودکان آن مرد	ihre Kinder کودکان آن زن

ضمایر ملکی sein و ihr در حالت دستوری آکوزاتیو

اگر ضمیر ملکی در حالت مفعول مستقیم قرار بگیرد، باید به شکل آکوزاتیو در آید. ضمایر ملکی mein، dein، sein و ihr در حالت آکوزاتیو فقط در یک مورد با ضمایر ملکی نومیناتیو تفاوت می‌کنند: در حالتی که اسمِ پس از ضمیر، مفردِ مذکر باشد. در این حالت، تمامی ضمیرهای ملکی که اسمشان مفرد مذکر است، پسوند n- (en-) می‌گیرند.

ضمایر ملکی sein و ihr در حالت آکوزاتیو		
	مرجع مرد	مرجع زن
مذکر	seinen Garten	ihren Garten
خنثی	sein Haus	ihr Haus
مؤنث	seine Küche	ihre Küche
جمع	seine Kinder	ihre Kinder

Das ist Peter und **sein**^Nom Garten. — این پتر و باغچه‌اش است.

Ich mag **seinen**^Akk Garten sehr. — باغچه‌اش را خیلی دوست دارم.

Das ist Vanilla und **ihr**^{Nom} Haus. این وانیلا و خانه‌اش است.

Ich finde **ihr Haus**^{Akk} sehr gemütlich.

به نظر من خانه‌اش خیلی راحت است.

حالت اضافه با اسم‌های خاص

حالت اضافه (مضاف و مضافٌ‌الیه) تعلق را بیان می‌کند. یک راه بیان این تعلق در آلمانی اضافه کردن حرف s- به آخر اسم خاص است. توجه داشته باشید که فقط اسم‌های خاص، مثلاً اسم‌های اشخاص، می‌توانند s- بگیرند، مثلاً

~~mein Bruders Auto~~ ممکن نیست و نادرست است.

Ottos Haus خانهٔ اتو

Marias Nachbarin همسایهٔ ماریا

حرف اضافهٔ von به عنوان راه دیگر بیان تعلق

راه دیگر بیان تعلق در آلمانی استفاده از کلمهٔ von است. در فارسی از کسره و یا «ی» استفاده می‌شود.

der Freund **von** Otto **دوستِ** اتو = Ottos Freund

die Nachbarin **von** Maria **همسایهٔ** ماریا = Marias Nachbarin

طبقات ساختمان

اعداد ترتیبی برای نشان دادن و توصیف طبقات ساختمان نیز به کار می‌روند. برای طبقهٔ همکف نیازی به هیچ عددی نیست.

Hier ist das Erdgeschoss. این‌جا طبقهٔ همکف است.

Meine Eltern wohnen im Erdgeschoss.

والدین من در طبقهٔ همکف سکونت دارند.

.Ich wohne **im** erste**n**/ zweite**n**/ dritte**n** Stock

من در طبقهٔ اول/ دوم/سوم سکونت دارم

پاسخ این سؤال که چرا اعداد ترتیبی در این‌جا n گرفتند، به خاطر وجود im است که در فصل ۵ کتاب بعد مطرح می‌شود، ولی شما فعلاً به همین‌صورت به خاطر بسپارید.

ضمیر -jed و صفت -nächst برای بیان زمان

کلمهٔ -jed به معنای «هر» برای بیان دفعات به کار می‌رود، پیش از اسم قرار می‌گیرد و بسته به جنسیت اسم بعد از خود، پسوند مخصوص به آن جنسیت را به خود می‌گیرد. کلمهٔ -nächst نیز همانند -jed صرف می‌شود.

مذکر	nächst**en**	Monat	ماه بعد	jed**en**	Monat	هر ماه
خنثی	nächst**es**	Jahr	سال بعد	jed**es**	Jahr	هر سال
مؤنث	nächst**e**	Woche	هفتهٔ بعد	Jed**e**	Woche	هر هفته

Max bezahlt **jeden Monat** seine Miete.

ماکس اجاره‌اش را هر ماه پرداخت می‌کند.

Ich ziehe **nächste Woche** um.

من هفتهٔ بعد اثاث‌کشی می‌کنم.

فصل ۱۵

افعال داتیو پذیر

افعالی مانند helfen (کمک کردن)، gehören (متعلق بودن) در آلمانی وجود دارد که همراه آن‌ها یک مفعول باواسطه می‌آید. این مفعول باواسطه در جمله در حالت داتیو بیان می‌شود، یعنی به جای این‌که از حرف اضافه استفاده کنند، از داتیو استفاده می‌کنند. داتیو همراه این افعال، در فارسی «به» یا «از» یا «برای» ترجمه می‌شود. در مثال‌های زیر از ضمیر شخصی داتیو استفاده شده است.

۱. کمک کردن helfen

او دارد به معلم کمک می‌کند. Er hilft **der Lehrerin**.

۲. متعلق بودن gehören

.Das Auto gehört **dem Mann** und **der Frau** dort

این ماشین به آن مرد و زنی که آن‌جا هستند تعلق دارد.

۳. تشکر کردن، ممنون بودن danken

من از پروفسور ممنونم. Ich danke **dem Professor**.

افعال داتیوپذیر دیگر عبارتند از: passen (مناسب بودن)، vertrauen (اعتماد کردن)، gefallen (خوش‌آیند ... بودن)، antworten (پاسخ دادن).

ضمایر شخصی در حالت داتیو

اسم‌هایی که در موقعیت داتیو قرار می‌گیرند، می‌توانند با ضمیر داتیو جایگزین شوند. ضمیر، اگر در کنار یک فعل داتیوپذیر قرار گیرد، اغلب همراه با «به»، «برای» ترجمه می‌شود.

	ضمایر شخصی								
نومیناتیو	ich	du	er	es	sie	wir	ihr	sie	Sie
داتیو	mir	dir	ihm	ihm	ihr	uns	euch	ihnen	Ihnen
	به من	به تو	به او (مذکر)	به او (خنثی)	به او (مؤنث)	به ما	به شما (دوستانه)	به آنها	به شما (محترمانه)

Das Buch gehört dem Mann. → Das Buch gehört **ihm**
(dem Mann → ihm)

این کتاب به آن مرد تعلق دارد. ← این کتاب به او تعلق دارد.

Der Mann hilft dem Kind. → Der Mann hilft ihm.
(dem Kind → ihm)

آن مرد به آن بچه کمک می‌کند. ← آن مرد به او کمک می‌کند.

Wie geht es Ihnen? — به شما چطور می‌گذرد؟

Es geht mir gut. — به من خوب می‌گذرد (حال من خوب است).

ترکیب ...es gibt

...es gibt یکی از عبارات پر کاربرد در زبان آلمانی است. معنی آن «هست، وجود دارد» می‌باشد. تنها چیزی که باید به خاطر سپرد این است که بعد از es gibt یک اسم در حالت آکوزاتیو قرار می‌گیرد. اسمی‌که پس از es gibt می‌آید می‌تواند جمع یا مفرد باشد، ولی es gibt همانes gibt باقی می‌ماند.

Gibt es hier in der Nähe einen Laden?

آیا یک سوپر مارکت در این نزدیکی هست؟

Ja**, es gibt** hier links einen Laden. بله، یک سوپر مارکت سمت چپ هست.

واژه‌سازی با -Lieblings

کلمهٔ Lieblings پیش از یک اسم به معنای «مورد علاقه» است. وقتی از آن استفاده می‌شود که بخواهیم در مورد فعالیت‌ها یا چیزهای مورد علاقه خود صحبت کنیم.

Mein **Lieblingsviertel** in München ist Giesing.

محلهٔ مورد علاقه من در مونیخ گیزینگ است.

Mein **Lieblingssänger** ist Reza Sadeghi.

خوانندهٔ مورد علاقه من رضا صادقی است.

مثال‌های دیگر عبارتند از: Lieblingsbuch، Lieblingsmusik و غیره.

فصل ۱۶

حروف اضافهٔ زمانی vor، nach، in

حروف اضافهٔ زمانی اغلب همراه با حرف تعریف و یک اسم استفاده می‌شوند و با هم اطلاعات مربوط به زمان را بیان می‌کنند. در ادامه با سه حرف اضافه آشنا می‌شوید:

۱. حرف اضافهٔ «زمانی» vor بیانگر زمانی پیش از یک زمان دیگر، یا زمانی پیش از یک عمل یا اتفاق دیگر می‌باشد. این حرف اضافهٔ زمانی با داتیو همراه است. در فارسی دو معنی برای آن در نظر گرفته می‌شود: یکی از آن معانی «... قبلْ، یا ... پیشْ» است:

Wann hast du dein Handy gekauft? موبایلت را کی خریدی؟

Ich habe mein Handy **vor einem** Jahr[خنثی] gekauft.

من موبایلم را یک سال **پیش** خریدم.

Vor einer Woche[مؤنث] waren wir in London. یک هفته پیش لندن بودیم.

معنای دیگر «پیش از...، قبل از...» است.

Vor dem Deutschkurs[مذکر] können wir etwas essen.

قبل از کلاس آلمانی می‌توانیم (یک) چیزی بخوریم.

Vor dem Mittagessen خنثی lerne ich Deutsch.

قبل از ناهار آلمانی یاد می‌گیرم.

۲. در پاسخ سؤال wann همچنین می‌توان حرف اضافه زمانی nach به معنای «بعد از» به کار برد. همراه این حرف اضافه همیشه داتیو می‌آید.

Nach dem Sport مذکر dusche ich mich. پس از ورزش دوش می‌گیرم.

Nach den Sitzungen جمع gehe ich nach Hause.

بعد از جلسات به خانه می‌روم.

۳. حرف اضافهٔ زمانی in به معنای «دیگر، دیگه» بیانگر یک زمان در آینده است و اغلب با یک فعل در زمان حال همراه می‌شود. این حرف اضافه بیانگر مدت زمان نیست.

Der Kurs beginnt **in einer** Woche مؤنث.

کلاس یک هفتهٔ دیگر شروع می‌شود.

In zwei **Jahren** جمع komme ich zurück. دو سال دیگر بر می‌گردم.

حرف اضافهٔ für در پاسخ für wie lange

حرف اضافهٔ زمانیِ für به معنی «برای» به منظور بیان یک مدت یا یک دوره به کار می‌رود. این حرف اضافه اغلب اوقات برای بیان مدت زمانی که در مسافرت یا تعطیلات مصرف می‌شود، استفاده می‌شود.

Für wie lange fahren Sie in die Schweiz?

برای چه مدت به سوئیس می‌روید؟

Wir fahren **für einen** Monat[مذکر] in die Schweiz.

ما برای مدت یک ماه به سوئیس می‌رویم.

Wir fahren **für eine Woche**[مؤنث] in den Iran.

ما برای مدت یک هفته به ایران می‌رویم.

به خاطر بسپارید که بعد از vor و in همیشه حالت دستوری داتیو می‌آید به شرطی که هردو به عنوان حروف اضافهٔ زمانی به کار رفته باشند. بعد از nach همیشه داتیو و بعد از für همیشه آکوزاتیو می‌آید. در ضمن حرف اضافهٔ vor را هیچ‌گاه با پیشوند -vor در افعال جداشدنی (مانند: vorbereiten) و یا با von (از) اشتباه نگیرید.

فصل ۱۷

حروف اضافهٔ mit و ohne

حرف اضافهٔ mit به معنی «با» همیشه با داتیو می‌آید.

Anna geht **mit dem** Auto einkaufen. آنا با اتومبیل به خرید می‌رود.

Ich fahre immer **mit der Bahn**[مؤنث] zur Arbeit.

من همیشه با قطار سر کار می‌روم.

حرف اضافهٔ mit را هیچ‌گاه با پیشوند -mit در افعال جداشدنی اشتباه نگیرید.

mitkommen → ich komme mit. (پیشوند)

همراه آمدن → من همراه (شما) می‌آیم

حرف اضافهٔ ohne به معنای «بدون» همیشه یک حالت آکوزاتیو می‌طلبد.

Fabian geht **ohne** den Hund[مذکر] spazieren.

فابیان بدون آن سگ به قدم زدن می‌رود.

فعل مدال wollen

فعل wollen یکی از افعال مدال است و بیانگر کاری است که ما قطعاً می‌خواهیم انجام دهیم. این فعل بیانگر ارادهٔ شخص در انجام آن کار است. فعل wollen، همانند دیگر افعال مدال، اغلب همراه با مصدر یک فعل دیگر به کار می‌رود. مصدر، همچون تمامی افعال مدال، در آخر جمله قرار می‌گیرد.

				wollen	
wollen	wir	جمع	*will*	ich	مفرد
wollt	ihr		*willst*	du	
wollen	sie/**Sie**		*will*	er/sie	

چه کسی می‌خواهد ستارهٔ پاپ شود. — Wer **will** Popstar **werden**?

فابیان می‌خواهد موسیقی تحصیل کند. — Fabian **will** Musik **studieren**.

آیا او می‌خواهد به اتریش برود؟ — **Will** er nach Österreich **fahren**?

گاهی مصدر از انتهای جمله حذف می‌شود، زیرا منظور گوینده مشخص است:

من می‌خواهم به خانه (بروم). — Ich **will** nach Hause (gehen).

من یک کیک می‌خواهم (بخورم). — Ich **will** einen Kuchen (essen).

تفاوت wollen و möchten

با هر دو فعل مدال wollen و möchten می‌توان دربارهٔ «خواست» و «برنامهٔ» خود صحبت کرد. این دو فعل تفاوتی جزئی با هم دارند. wollen «اراده و تصمیم قطعی» به انجام یک کار را بیان می کند ولی فعل möchten «تمایل» به انجام یک عمل را بیان می‌کند. هر دو فعل را می‌توان «خواستن» ترجمه کرد، ولی wollen تصمیم و ارادهٔ قوی‌تری را بیان می‌کند.

Fabian **will** nach Österreich fahren.

فابیان می‌خواهد به اتریش برود (تصمیم قطعی دارد).

Fabian **möchte** nach Österreich fahren .

فابیان می‌خواهد به اتریش برود (اگر شرایط مهیا شد، می‌رود و اگر نه نمی‌رود).

در ضمن اگر درخواستی از کسی دارید، möchten مؤدبانه‌تر از wollen است. مثلاً به جای این‌که بگویید:

Ich will mit dir spazieren gehen. — من می‌خواهم با تو قدم بزنم.

مؤدبانه‌تر است که بگویید:

Ich möchte mit dir spazieren gehen. — من میل دارم با تو قدم بزنم.

فعل werden

فعل werden به معنای «شدن» بی‌قاعده صرف می‌شود و تغییر مصوت (e → i) دارد. اغلب اوقات این فعل در آخر جمله به شکل مصدر با یک فعل مدال به کار می‌رود.

werden						
werden	wir	جمع	werde	ich	مفرد
werdet	ihr		*wirst*	du	
werden	sie/Sie		*wird*	er/sie	

Was möchtest du **werden?** — دوست داری چه کاره بشوی؟

Ich will Ärztin **werden**[مصدر]. — من می‌خواهم پزشک شوم.

Er **wird** morgen 23 Jahre alt. — او فردا ۲۳ ساله می‌شود.

Ich **werde** sehr schnell müde. — من خیلی زود خسته می‌شوم.

فصل ۱۸

وجه امری

وجه امری در مواقع خواهش کردن و توصیه کردن به کار می‌رود. ساده‌ترین شکل وجه امری، شکل محترمانه یا رسمی است. این شکل از وجه امری از فعل صرف‌شده همراه Sie ساخته می‌شود. گوینده در حالت محترمانه، یک شخص یا چندین شخص را مستقیماً مخاطب قرار می‌دهد.

این چای را به او بدهید.	**Geben Sie** ihm diesen Tee.
زیاد نوشیدنی بخورید	**Trinken Sie** viel!

ترتیب لغات در جملات محترمانه دقیقاً مثل جملات سؤالی بله‌خیری (Ja-nein-Frage) است. تفاوت آن‌ها در آهنگ جمله و همچنین در علامت پایانی است.

سؤال آیا شما امروز سر کار می‌روید؟	Gehen Sie heute zur Arbeit?
وجه امری امروز سر کار بروید.	Gehen Sie heute zur Arbeit!

فعل مدال sollen

فعل sollen از جمله افعال مدال است و همراه با مصدر فعل اصلی (انتهای جمله) استفاده می‌شود.

					sollen
مفرد	ich	*soll*	جمع	wir	sollen
	du	*sollst*		ihr	sollt
	er/sie	*soll*		sie/**Sie**	sollen

فعل sollen بیان‌کنندهٔ یک توصیه یا یک درخواست است. معنی این فعل در فارسی «بایستن» است و وقتی استفاده می‌شود که شخصی دیگر از ما خواسته باشد که کاری را انجام دهیم یا ما از شخص سومی درخواست کاری داشته باشیم.

من باید (نزد) دکتر بروم. Ich soll zum Arzt gehen.

یعنی فلان شخص (که هویت آن در گفتگو مشخص است) از من خواسته یا به من توصیه کرده که به دکتر بروم.

تو باید خیلی مایعات بخوری. Du sollst viel trinken.

یعنی فلان شخص (مثلاً دکتر) از تو می‌خواهد یا به تو توصیه می‌کند که بسیار بنوشی.

او باید در رختخواب بماند. Er soll im Bett bleiben.

یعنی من به او (شخص سوم) توصیه می‌کنم که در رختخواب بماند.

یکی از جایگاه‌های nicht در جملاتی که در آن‌ها فعل مدال قرار دارد، می‌تواند بلافاصله پیش از مصدر باشد. nicht همچنین می‌تواند پیش از قید و یا حرف اضافه قرار گیرد.

او نباید در رختخواب بماند. Er soll nicht im Bett bleiben.

حرف اضافهٔ gegen

حرف اضافه gegen به معنای «علیه، بر ضد، برای رفع» اغلب در مواقعی که در مورد موضوعات درمانی و سلامتی صحبت می‌کنیم به کار می‌رود.

Was hilft **gegen** Kopfschmerzen?
چه چیزی برای رفع سردرد کمک می‌کند؟

Gegen Kopfschmerzen nehme ich immer eine Tablette.
من برای رفع سردرد همیشه یک قرص می‌خورم.

ساخت لغت با schmerzen

برای بیان درد، از نام اعضای بدن، مثلاً: Hals (گلو) یا Zahn (دندان) و شکل جمع کلمهٔ Schmerz (درد)، یک ترکیب جدید می‌سازیم:

Ich habe **Zahnschmerzen**. — من دندان درد دارم.
Ich habe **Halsschmerzen**. — من گلو درد دارم.

فصل ۱۹

پرفکتِ افعال جدا نشدنی

در فصل ۱۱ با پرفکت و ساخت پارتیسیپ آشنا شدید. در آلمانی دسته‌ای از افعال وجود دارند که با پیشوندهای ge-, be-, er-, ent-, ver- شروع می‌شوند. به این خاطر می‌توان به این افعال دو قسمتی گفت. این پیشوندها جداشدنی نیستند. پارتیسیپ این نوع از افعال بدون ge- ساخته می‌شود. پارتیسیپ برخی از این افعال به **-t** و پارتیسیپ برخی دیگر به -en ختم می‌شود.

۱. be-

bekommen → **be**kommen
Maria hat ein Kind bekommen. ماریا یک بچه به دنیا آورده است.

۲. er-

erkennen → **er**kannt
Peter hat Anna gleich erkannt. پتر آنا را بلافاصله شناخت.

۳. en-

Sich **ent**schuldigen → **ent**schuldigt
Er hat sich entschuldigt. او معذرت خواست.

۴. ge-

gefallen → **ge**fallen

Mark hat mir nicht gefallen. من از مارک خوشم نیامد.

۵. -ver

vergessen → **ver**gessen

Ich habe meine Tasche vergessen. من کیفم را فراموش کردم.

پیشوندهای دیگری نیز می‌توانند جزو این دسته قرار گیرند، مانند: -über، -unter.

unterschreiben → unterschrieben امضا کردن

übernachten → übernachtet شب را جایی اقامت کردن

ساخت لغت با پیشوند -un

پیشوند -un می‌تواند با بسیاری از صفت‌ها ترکیب شود و متضاد بسازد.

unglücklich ↔ glücklich غمگین ↔ خوشحال

unsymphatisch ↔ sympathisch سرد ↔ گرم (آدم)

البته این‌گونه نیست که بتوان این پیشوند را با هر صفتی ترکیب کرد.

فصل ۲۰

وجه امری در دوم شخص مفرد و جمع

وجه امری یا Imperativ می‌تواند از دوم شخص مفرد (du)، از دوم شخص جمع دوستانه (ihr) و از حالت محترمانه (Sie) ساخته شود. در فصل ۱۸ با ساختن وجه امری در حالت محترمانه (Sie) آشنا شدید. ایمپراتیو برای بیان خواهش، امر و برای بیان یک توصیه به کار می‌رود.گوینده مستقیماً شخص را مخاطب قرار می‌دهد.

الف) وجه امری برای دوم شخص مفرد (du) این‌گونه ساخته می‌شود: فعل را به دوم شخص صرف کنید، سپس st- را از آن حذف کنید. اگر در صیغهٔ دوم شخص فعل تغییر مصوت به شکل اوملات وجود داشت، اوملاوت را نیز حذف کنید.

machen → ~~du~~ **mach~~st~~** → **Mach!**
Mach dein Bett! — تخت‌خوابت را مرتب کن!

vergessen → ~~du~~ vergisst → **Vergiss**!
Vergiss deine Tasche nicht! — کیفت را فراموش نکن!

در مثال بالا استثنائاً از فعل vergessen پسوند –st حذف نشد، بلکه فقط t حذف شد.

ausräumen → ~~du~~ **räum~~st~~** aus → Räum aus!

Räum die Spülmaschine **aus**!
ماشین ظرفشویی را خالی کن**!**

fahren → ~~du~~ **fähr~~st~~** → Fahr!
Fahr bitte langsam!
آهسته بران!

در مثال قبل برای ساختن وجه امری، پس از صرف فعل به دوم شخص، اوملات نیز حذف شد.

ب) وجه امری برای دوم شخص جمع دوستانه (ihr) به این شکل ساخته می‌شود: فعل را به دوم شخص جمع صرف کنید، سپس ihr را از آن حذف کنید.

machen → ~~ihr~~ macht → Macht!
Macht eure Betten!
تختخواب‌هایتان را درست کنید!

vergessen → ~~ihr~~ vergesst → Vergesst!
Vergesst eure Taschen nicht!
کیف‌هایتان را فراموش نکنید!

ausräumen → ~~ihr~~ räumt aus → Räumt aus!
Räumt die Spülmaschine aus!
ماشین ظرفشویی را خالی کنید!

fahern → ~~ihr~~ fahrt → Fahrt!
Fahrt bitte langsam!
لطفاً آهسته رانندگی کنید!

وجه امری افعال sein و haben

فعل‌های sein وhaben در صیغهٔ دوم شخص مفرد از قوانین ذکر شده در بخش قبل تبعیت نمی‌کنند. شکل امری این فعل‌ها در حالت مفرد را باید به خاطر سپرد.

sein مصدر → Sei!

Sei nicht so faul! — این قدر تنبل نباش!

haben مصدر → Hab!

Hab keine Angst! — ترس نداشته باش!

در صیغهٔ دوم شخص جمع (ihr) به این شکل عمل می‌شود:

sein مصدر → Seid!

Seid nicht so faul! — این قدر تنبل نباشید!

haben مصدر → Habt!

Habt keine Angst! — ترس نداشته باشید!

صیغهٔ محترمانه (Sie) به این شکل است:

sein مصدر → Seien Sie!

Seien Sie bitte so nett und geben Sie mir die Flasche.

لطف کنید و آن بطری را به من بدهید.

haben مصدر → Haben Sie!

Haben Sie keine Angst! — ترس نداشته باشید!

کلمات mal، doch و bitte در جملات امری

جملات امری ممکن است که خیلی بی‌ادبانه و گستاخانه به نظر بیایند. کلماتی مثل bitte (لطفاً)، mal (لطفاً) و doch (خب) برای «تخفیف حالت امر» به کار می‌روند

و جملهٔ امری را مؤدبانه‌تر و دوستانه‌تر می‌کنند. البته این کلمات همیشه در ترجمهٔ فارسی قابل رؤیت نیستند.

Spül **bitte** das Geschirr!	لطفاً ظرف‌ها را بشوی!
Ruf ihn **doch** an!	خب به او زنگ بزن!
Warte **mal**!	صبر کن، لطفاً!

ضمایر شخصی در حالت آکوزاتیو

همیشه می‌توان به جای یک اسم، یک ضمیر قرار داد. اگر فعل متعدی (transitiv) باشد، باید از ضمایر آکوزاتیو استفاده کرد. در فصل ۱۰ با ضمایر شخصی mich و dich در حالت آکوزاتیو آشنا شدید. در این فصل با تمام ضمایر شخصی آکوزاتیو آشنا می‌شوید.

	ضمیر شخصی								
نومیناتیو	ich	du	er	es	sie	wir	ihr	sie	Sie
آکوزاتیو	mich	dich	ihn	es	sie	uns	euch	sie	Sie
	من را	تو را	او را (مذکر)	آن را	او را (مؤنث)	ما را	شما را (دوستانه)	آن‌ها را	شما را (محترمانه)

Ich habe **das Bad** geputzt.	من حمام را تمیز کردم.
Ich habe **es** geputzt (Das Bad → es).	من آن را تمیز کردم.

در مثال قبل، به جای das Bad، در جملهٔ دوم ضمیر es قرار گرفته است، چون das Bad خنثی و مفرد و سوم شخص است و فعل (putzen) یک فعل متعدی (transitiv) است و مفعول می‌طلبد.

Wir haben **dich** lange Zeit gesucht.
ما مدت زیادی تو را جستجو می‌کردیم (دنبال تو می‌گشتیم).

Liebst du mich? — مرا دوست داری؟ (عاشق من هستی؟)
Ich kenne ihn nicht. — من او (مذکر) را نمی‌شناسم.

ترجمهٔ این ضمیرها همیشه با فارسی مطابقت ندارد:

Rufst du mich bitte an? — به من لطفاً زنگ می‌زنی؟

زنگ زدن در فارسی با متمم «به» استفاده می‌شود و در آلمانی با مفعول مستقیم (مراجعه کنید به فصل ۱۰، نکته‌ای در مورد «متعدی بودن» در فارسی و آلمانی).

پیشوندهای جداشدنی rauf, runter, rüber

چهار پیشوند rauf (به بالا)، runter (به پایین) و rüber (به این سمت، به آن سمت) می‌توانند با افعال حرکتی مانند: kommen, gehen, fahren و از این نوع استفاده شوند و یک فعل جداشدنی بسازند. این پیشوندها همواره در آخر جمله قرار می‌گیرند.

Komm doch runter. — خب بیا پایین!
Fahren Sie rüber. — به این سمت برانید.
kommen Sie rauf. — بیایید بالا.

فصل ۲۱

کلمات mein، meinen و Meinung

mein/e, meinen, Meinung: این کلمات ممکن است باعث شوند که به اشتباه بیافتید، مخصوصاً وقتی که نزدیک هم باشند.

۱. ضمیر ملکی: (... من mein/e)

Ich besuche meine Tante und meinen Onkel gern .

من علاقه دارم به دیدن خاله و دایی‌ام بروم.

۲. فعل: (عقیده داشتن، فکر کردن) meinen

?Ich finde das Bild schön und was meinen Sie

به نظرم این عکس قشنگ است و شما چه فکر می‌کنید؟

۳. اسم: (نظر، عقیده) die Meinung

مثالی با هر سه کلمه:

Das ist meine Meinung. Was meinen Sie?

این عقیدهٔ من است. عقیدهٔ شما چیست؟

فعل مدال müssen

فعل müssen به معنی «مجبور بودن» یکی دیگر از افعال مدال است. همانند دیگر افعال مدال، این فعل نیز همراه مصدر فعل اصلی می‌آید. این مصدر در آخر جمله قرار می‌گیرد.

Du **musst** in der Bibliothek leise **sein**.

تو مجبوری در کتابخانه ساکت باشی.

Motorradfahrer **müssen** einen Helm **tragen**.

رانندگان موتورسیکلت مجبورند کلاه ایمنی به سر داشته باشند.

					müssen
مفرد	ich	*muss*	جمع	wir	müssen
	du	*musst*		ihr	müsst
	er/sie	*muss*		sie/Sie	müssen

شکل منفی این فعل به معنای مجبور نبودن است و به معنای «نباید» نیست!!

Ich **muss nicht** arbeiten.

من مجبور نیستم کار کنم.

تفاوت دو فعل مدال müssen و sollen

در فارسی هر دو فعل müssen و sollen می‌توانند «باید» ترجمه شوند، یعنی هر دو یک «الزام» را بیان می‌کنند. اما بین این دو فعل تفاوتی وجود دارد. فعل sollen همان‌طور که در فصل ۱۸ ذکر شد، وقتی به کار می‌آید که یک «درخواست یا توصیه» مطرح باشد، در حالی که فعل müssen یک «اجبار» را بیان می‌کند، اجباری که توسط شرایط ایجاد می‌شود. بنابراین، müssen به معنای مجبور بودن است. این تفاوت در این دو جمله روشن می‌شود:

Motorradfahrer **müssen** einen Helm tragen.

رانندگان موتورسیکلت مجبورند یک کلاه ایمنی به سر داشته باشند.

(به عبارتی اگر کلاه سر نکند، سلامت خود را به خطر می‌اندازند.)

Motorradfahrer **sollen** einen Helm tragen.

رانندگان موتورسیکلت باید کلاه ایمنی به سر داشته باشند.

(به عبارتی از رانندگان موتورسیکلت خواسته شده کلاه ایمنی سر کنند.)

فعل مدال dürfen

فعل مدال dürfen به معنای اجازه داشتن است و اغلب وقتی به کار می‌رود که اجازه کاری را به ما نمی‌دهند و یا مجبوریم آن کار را انجام ندهیم. همانند تمام افعال مدال در آلمانی، این فعل نیز اغلب همراه مصدری است که در آخر جمله قرار می‌گیرد.

Du **darfst** keine Schokolade essen. — تو اجازه نداری شکلات بخوری.

Man **darf** hier parken. — آدم اجازه دارد این‌جا پارک کند.

dürfen						
dürfen	wir	جمع	*darf*	ich	مفرد
dürft	ihr		*darfst*	du	
dürfen	sie/Sie		*darf*	er/sie	

فعل dürfen به منظور سؤال کردن مؤدبانه نیز به کار می‌رود:

Darf ich Ihnen helfen? — اجازه دارم کمکتان کنم؟

تفاوت nicht dürfen و nicht müssen

شکل منفی فعل مدال müssen وقتی به کار می‌رود که بخواهیم بیان کنیم که مجبور نیستیم عملی را انجام دهیم.

من مجبور نیستم این‌جا کار کنم.	Ich **muss** hier **nicht** arbeiten.
تو الآن مجبور نیستی بروی.	Du muss jetzt nicht gehen.
او مجبور نیست کلاه ایمنی بگذارد.	Er muss **keinen** Helm tragen.

ولی شکل منفی فعل مدال dürfen وقتی به کار می‌رود که اجازه نداشته باشیم عملی را انجام دهیم.

من اجازه ندارم این‌جا کار کنم.	Ich **darf** hier **nicht** arbeiten.

بنابراین، جملهٔ "Ich muss **nicht** arbeiten„ به هیچ عنوان معنی «من مجبورم کار نکنم» نمی‌دهد، بلکه معنی آن «من مجبور نیستم کار کنم» می‌باشد. برای این‌که بگوییم که ما مجبوریم کاری را انجام ندهیم، یا به عبارتی اجازه نداریم، از nicht dürfen استفاده می‌کنیم.

من اجازه ندارم کار کنم.	Ich darf nicht arbeiten.

جایگاه nicht در جملاتی که در آن‌ها فعل مدال وجود دارد، می‌تواند بلافاصله پیش از مصدر باشد.

فعل بی‌قاعدهٔ tragen

در صرف فعل بی‌قاعدهٔ tragen یک تغییر مصوت (a → ä) صورت می‌گیرد. این فعل به معنای با خود حمل کردن، به تن داشتن و به سر داشتن است.

					tragen
مفرد	ich	trage	جمع	wir	tragen
	du	*trägst*		ihr	tragt
	er/sie	*trägt*		sie/Sie	tragen

Der Fahrradfahrer **trägt** keinen Helm.

این دوچرخه‌سوار کلاه ایمنی به سر ندارد.

Ich **trage** eine Jacke. من یک کاپشن به تن دارم.

پیشوند جداشدنی zurück

پیشوند zurück معنای «بازگشت، برگشت، به عقب» می‌دهد و می‌تواند با بسیاری از افعال ترکیب شود و یک فعل جداشدنی بسازد، مانند: zurückrufen (در پاسخ به تماس تلفنی کسی زنگ زدن)، zurückfahren (به عقب برگشتن)، zurückblicken (به عقب نگاه کردن) و zurückdenken (به گذشته فکر کردن). با این پیشوند می‌توان بسیار خلاقانه عمل کرد.

Ruf ihn doch bitte zurück. خب به او زنگ بزن.

Wir müssen zurückfahren. ما مجبوریم برگردیم.

فصل ۲۲

درجات صفت و قید

در آلمانی می‌توان از صفت‌ها و برخی قیدها (مثل gern یا viel) صفت برتر یا صفت برترین (همچنین قید برتر و قید برترین) ساخت. شکل اصلی و ساده صفت که در واژه‌نامهٔ منشن موجود است، positiv یا صفت مطلق نامیده می‌شود. Komparativ به معنی صفت برتر و Superlativ به معنی صفت برترین است.

صفت بی‌قاعده	صفت باقاعده با اوملاوت	صفت باقاعده	
gut	groß	schön	صفت مطلق (Positiv)
besser	gr**ößer**	schön**er**	صفت برتر (Komparativ)
am besten	**am** gr**ößten**	**am** schön**sten**	صفت برترین (Superlativ)

در حالت برتر، به صفت -er اضافه می‌شود و در حالت برترین، -sten همراه با am.
توجه کنید که پس از حالت برترین با am، اسم قرار نمی‌گیرد.

Ich bin groß[مطلق] → Du bist größer[برتر] → Er ist am größten[برترین].

من بلند قد هستم ← تو بلند قدتر هستی ← او بلند قدترین است.

تشخیص این‌که حالت «برتر» یا «برترین» یک صفت به چه صورت است، تقریباً غیر ممکن است. به این دلیل درجات هر صفت باید به خاطر سپرده شود. در این‌جا فهرستی از صفت‌های بی‌قاعده همراه با درجه‌بندی آن‌ها آمده است که بهتر است اکنون حفظ شوند.

درجه‌بندی برخی صفات بی‌قاعده			
teuer گران	viel زیاد	gern باعلاقه	hoch بالا
teurer	*mehr*	*lieber*	*höher*
am teuersten	*am meisten*	*am liebsten*	*am höchsten*

Ich trage **gern** Rosa. من رنگ صورتی را با میل و رغبت می‌پوشم.

Maria trägt **lieber** Rot. ماریا رنگ قرمز را با میل و رغبت بیشتری می‌پوشد.

Anna trägt Grün **am liebsten**.

آنا رنگ صورتی را با کمال میل می‌پوشد (از همه بیشتر دوست دارد).

صفت‌های چندهجایی مانند: langweilig یا interessant به هیچ عنوان مثل انگلیسی more یا most نمی‌گیرند:

langweilig → langweiliger → am langweiligsten

مقایسهٔ صفت‌ها با wie و als

با wie و als می‌توانیم دو چیز را با هم مقایسه کنیم و برابری و یا عدم برابری آن‌ها را بیان کنیم.

۱. برابری: برای بیان برابری دو چیز یا دو کیفیت از ترکیب‌های genauso... wie به معنای «عیناً مثل» و یا از ترکیب so... wie به معنای «مثل» استفاده می‌شود. بین این دو کلمه همیشه صفت مطلق (Positiv) قرار می‌گیرد.

Das T-Shirt ist **genauso** *schön* **wie** die Hose.

این تیشرت مثل آن شلوار زیبا است.

Deutsch ist nicht **so** *schwer* **wie** Arabisch. آلمانی به سختی عربی نیست.

Grammatik ist **so** *wichtig* **wie** Wortschatz.

دستور زبان همان‌قدر مهم است که دایرهٔ واژگان.

۲. عدم برابری: برای نشان دادن عدم برابری، از شکل برترِ صفت (Komparativ) بعلاوهٔ als استفاده می‌شود.

Das T-Shirt ist sogar *schöner* **als** das Hemd!

این تیشرت حتی زیباتر از آن پیراهن است.

فصل ۲۳

ضمیر es برای گفتگو در مورد هوا

ضمیر غیر شخصی es برای توصیف آب و هوا استفاده می‌شود. این ضمیر مرجع مشخصی ندارد و در گفتگو در مورد هوا اغلب می‌توان آن را «هوا» ترجمه کرد.

هوا آفتابی است	Es ist sonnig.	دارد برف می‌بارد.	Es schneit.
هوا بادی است.	Es ist windig.	دارد باران می‌بارد.	Es regnet.
هوا مه‌آلود است.	Es ist neblig.	هوا گرم است.	Es ist warm.

درجهٔ هوا

برای گفتن درجهٔ هوا نیز از ضمیر es و فعل sein استفاده می‌کنیم. برای درجه‌های صفر و یک از ist و برای درجه‌های بیش از یک، از sind استفاده می‌کنیم.

هوا یک درجه است. Es ist ein Grad.

دمای هوا ۲۳ درجه است. Es sind 23 Grad.

جهت‌های جغرافیایی

جنسیت اسم‌های‌تمامی جهت‌های جغرافیایی در آلمانی مذکر است.

der Norden شمال	der Süden جنوب
der Osten شرق	der Westen غرب

ترکیب مکان‌های جغرافیایی همراه با جهات جغرافیایی نیز ممکن است. برای این امر، پسوند en- از نام جهت‌های جغرافیایی حذف می‌شود.

آلمان غربی Westen + Deutschland → Westdeutschland

آمریکای جنوبی Süden + Amerika → Südamerika

شمال ایران Norden + Iran → Nordiran

او در آلمان غربی سکونت دارد. Er wohnt in Westdeutschland.

واژه‌سازی با پسوند –los

پسوند –los می‌تواند به یک اسم بپیوندد و یک صفت بسازد. معنی los در انگلیسی less و در فارسی «بدونِ، بی...» است.

بی‌رنگ	die Farbe + los → farblos
بدون ابر، صاف	die Wolke + los → wolkenlos
آسمان صاف است.	.Der Himmel ist wolkenlos

بیان علت با کلمهٔ denn

denn به معنی «زیرا» یک حرف ربط است که دو جمله را به هم مرتبط می‌کند. نکتهٔ مهمی‌که باید به خاطر سپرد این است که با آمدن کلمهٔ denn، ترتیب کلمات در هر دو جمله هیچ‌گونه تغییری نمی‌کند. به عبارت دیگر، این حرف ربط، همانند حروف ربط und و aber، در جایگاه صفر قرار می‌گیرد.

Es war perfekt, **denn**[0] wir[1] hatten[2] ein Traumwetter.

خیلی عالی بود، چون ما هوای بسیار خوبی داشتیم.

ساخت جملهٔ پرسشی با warum

کلمهٔ پرسشی warum به معنای «چرا» برای پرسش دربارهٔ علت یک امر استفاده می‌شود. ترتیب کلمات به این شکل است که بلافاصله پس از warum فعل و پس از آن نهاد جمله قرار می‌گیرد:

Warum	lernen	Sie	Deutsch?
کلمهٔ پرسشی	فعل	نهاد	مفعول

Warum stehst du so früh auf? — چرا این‌قدر زود بلند می‌شوی؟

Denn ich muss lernen. — چون‌که باید درس بخوانم.

فصل ۲۴

کنیونکتیو۲

در آلمانی سه «وجه» وجود دارد: ایندیکاتیو (وجه اخباری)، ایمپراتیو (وجه امری) و کنیونکتیو. برای کنیونکتیو در فارسی معادل دقیقی وجود ندارد. وجه کنیونکتیو به دو دستهٔ کنیونکتیو۱ و کنیونکتیو۲ تقسیم می‌شود. نکته‌ای که دربارهٔ این وجه حائز اهمیت است، اول طریقهٔ ساخت آن و دوم کاربردهای مختلف آن است.

طریقهٔ ساخت کنیونکتیو۲

وجه کنیونکتیو۲ در زمان حال به این شکل ساخته می‌شود که فعل کمکی würden را صرف می‌کنیم و سپس مصدر فعل اصلی را در آخر جمله قرار می‌دهیم.

ساخت کنیونکتیو۲ زمان حال با فعل کمکی würde		
Infinitiv	+	würden
مصدر (در آخر جمله)		صرف فعل کمکی

würde					
würden	wir	جمع	würde	ich	مفرد
würdet	ihr		*würdest*	du	
würden	sie/Sie		*würde*	er/sie	

کاربرد کنیونکتیو۲

کنیونکتیو۲ کاربردهای بسیار دارد که در جلدهای بعدی به ترتیب شرح داده خواهد شد. یکی از کاربردهای کنیونکتیو۲، بیان میل و آرزو و عملی است که دوست داریم انجام دهیم. در این عملکرد، würde با möchte تقریباً هم‌معنی است.

Ich **würde** *gern* ins Restaurant **gehen**. من دوست دارم به رستوران بروم.

Er **würde** *am liebsten* ins Schwimmbad **gehen** .

او بیشتر از هر چیز دوست دارد به استخر برود.

برای بیان شدت علاقه از کلمات gern (با میل)، lieber (ترجیحاً، بیشتر)، am liebsten (بیشتر از همه چیز، با کمال میل) در کنار würde استفاده می‌شود. کنیونکتیو۲ در این کاربرد، مشابه would like در انگلیسی است.

اعداد ترتیبی

اعداد ترتیبی از اعداد اصلی ساخته می‌شوند. برای ساختن اعداد ترتیبی از عدد ۱ تا ۱۹، پسوند te- و از ۲۰ به بعد، ste- به عدد اضافه می‌کنیم. اعداد ترتیبی اول، سوم، هفتم و هشتم بی‌قاعده‌اند. تغییرات را در ادامه مشاهده کنید:

1. **erste**	6. sechs**te**	11. elf**te**
2. zwei**te**	7. **siebte**	12. zwölf**te**
3. **dritte**	8. **achte**	13. dreizehn**te**
4. vier**te**	9. neun**te**	14. vierzehn**te**
5. fünf**te**	10. zehn**te**	15. fünfzehn**te**

اعداد ۲۰ و بالاتر از آن پسوند ste- می‌گیرند وحرف g دیگر صدای «ش خفیف» نمی‌دهد، بلکه صدای «ک» می‌دهد.

20. zwanzig**ste** 21. einundzwanzig**ste** 30. dreißig**ste**

اگر اعداد ترتیبی به عدد نوشته شوند، حتماً پس از هر عدد یک نقطه قرار دارد. اعداد ترتیبی می‌توانند در جمله مثل صفت ظاهر شوند و از آن‌جا که صفت در زبان آلمانی (قبل از موصوف) پسوندهای خاص خود را می‌گیرد (فصل ۴ کتاب دستور زبان منشن A2)، اعداد ترتیبی نیز پسوند متناسب خود را می‌طلبند.

der **erste** Januar	اول ژانویه
die **zweite** Klasse	کلاس دوم؛ درجهٔ دوم
das **dritte** Kind	بچهٔ سوم

اگر حالت دستوری اسمِ پس از عدد، غیر از نومیناتیو باشد، در این صورت به پسوند عدد ترتیبی n- اضافه می‌شود و به ten- یا sten- تغییر می‌کند. این تغییر با کاربرد حروف اضافهٔ am (در تاریخ) و vom (از تاریخ) و bis zum (تا تاریخ) همراه است.

Wann hast du Geburtstag? Am **achten** Januar.

کی تولد داری (روز تولدت کی است)؟ هشتم ژانویه.

Wann bist du im Urlaub? Vom **ersten** bis zum **vierzehnten** Mai.

کی مرخصی هستی؟ اول تا چهاردهم می.

فهرست پارتیسیپ افعال بی‌قاعده

مصدر			پارتیسیپ (اسم مفعول)
ab.fahren	عزیمت کردن		ist abgefahren
ab.geben	تحویل دادن		abgegeben
ab.schließen	قفل کردن		abgeschlossen
an.bieten	ارائه دادن		angeboten
an.fangen	شروع کردن		angefangen
an.kommen	رسیدن		ist angekommen
an.rufen	زنگ زدن، تماس گرفتن		angerufen
an.sehen	تماشا کردن		angesehen
an.ziehen	پوشیدن		angezogen
an.ziehen (sich)	به تن کردن		angezogen
auf.stehen	بیدار شدن، بلند شدن		ist aufgestanden
aus.sehen	به نظر رسیدن		ausgesehen
aus.steigen	پیاده شدن		ist ausgestiegen
bekommen	گرفتن		bekommen
beschreiben	توصیف کردن		beschrieben
bieten	پیشنهاد کردن		geboten
bitten	خواهش کردن		gebeten
bleiben	ماندن		ist geblieben
blitzen	برق زدن (هوا)		geblitzt
blühen	شکوفه زدن		geblüht
brauchen	احتیاج داشتن		gebraucht
bringen	آوردن		gebracht
ein.laden	دعوت کردن		eingeladen
ein.steigen	سوار شدن		ist eingestiegen
entscheiden	تصمیم گرفتن		entschieden
essen	خوردن		gegessen
fahren	(سواره) رفتن		ist gefahren
fern.sehen	تلوزیون دیدن		ferngesehen
finden	پیدا کردن		gefunden
fliegen	پرواز کردن		ist geflogen
freuen sich	خوشحال شدن		gefreut

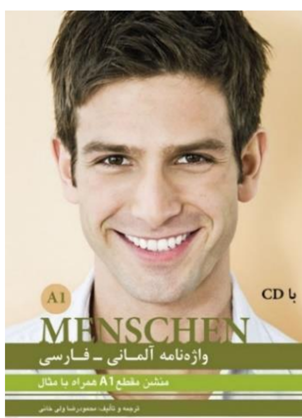
فهرست پارتیسیپ افعال بی‌قاعده

مصدر			پارتیسیپ (اسم مفعول)
geben	دادن		gegeben
gefallen	خوش آمدن		gefallen
gehen	رفتن		ist gegangen
genießen	لذت بردن		genossen
gewinnen	مسابقه را بردن		gewonnen
heißen	نام داشتن		geheißen
helfen	کمک کردن		geholfen
hin.fahren	سواره رفتن		ist hingefahren
hin.kommen	به جایی آمدن		ist hingekommen
klingen	به نظر آمدن		geklungen
kommen	آمدن		ist gekommen
laufen	دویدن		ist gelaufen
leid.tun	تأسف خوردن		leidgetan
lesen	خواندن		gelesen
los.fahren	شروع به حرکت کردن		ist losgefahren
mit.bringen	با خود آوردن		mitgebracht
mit.fahren	همراه رفتن		ist mitgefahren
mit.nehmen	با خود برداشتن		mitgenommen
mögen	علاقه داشتن		gemocht
nach.sehen	دنبال چیزی گشتن		nachgesehen
nach.sprechen	تکرار کردن		nachgesprochen
nehmen	برداشتن		genommen
nennen	نام بردن		genannt
raten	مشورت دادن		geraten
reiten	سوارکاری کردن		ist geritten
rufen	صدا زدن		gerufen
scheinen	تابیدن		geschienen
schieben	هل دادن		geschoben
schlafen	خوابیدن		geschlafen
schließen	بستن		geschlossen
schneien	برف باریدن		geschneit

مصدر			پارتیسیپ (اسم مفعول)
schreiben	نوشتن		geschrieben
schwimmen	شنا کردن		geschwommen
sehen	دیدن		gesehen
sein	بودن		ist gewesen
singen	آواز خواندن		gesungen
sitzen	نشستن		hat/ist gesessen
sprechen	صحبت کردن		gesprochen
springen	پریدن		hat/ist gesprungen
stecken.bleiben	جایی گیر کردن		ist steckengeblieben
stehen.bleiben	توقف کردن		ist stehengeblieben
steigen	سوار شدن		ist gestiegen
sterben	مردن		ist gestorben
streichen	خط زدن		gestrichen
tragen	به تن داشتن		getragen
treffen	ملاقات کردن		getroffen
trinken	نوشیدن		getrunken
überfliegen	سرسری خواندن		überflogen
überweisen	حواله کردن		überwiesen
um.steigen	قطار عوض کردن		ist umgestiegen
um.ziehen	خانه عوض کردن		ist umgezogen
verbieten	ممنوع کردن		verboten
vergessen	فراموش کردن		vergessen
vergleichen	مقایسه کردن		verglichen
verlieren	گم کردن		verloren
verschieben	عقب انداختن		verschoben
versprechen	قول دادن		versprochen
vor.lesen	روخوانی کردن		vorgelesen
vor.schlagen	پیشنهاد کردن		vorgeschlagen
werden	شدن		ist geworden
wissen	دانستن		gewusst

واژه‌نامه‌های آلمانی فارسی

فهرست لغات و اصطلاحات کتاب‌های
آموزشی Menschen, SICHER و
Starten wir و Daf kompakt به
صورت درس به درس و تمرین به تمرین
به همراه معنی، مثال (A1 تا B1)، مترادف
(B2) و سی‌دی صوتی تلفظ واژگان



کتاب‌های نمونه آزمون گوته

مقاطع A1، A2 و B1
به همراه پاسخنامهٔ بخش‌های خواندن، شنیدن،
صحبت و نگارش
انتشارات راین



کتاب‌های دستور زبان آلمانی

مختص کتاب‌های آموزشی SICHER،
Menschen و Starten wir
حاوی توضیحات دستوری ساده و قابل درک،
درس به درس
محمودرضا ولی‌خانی
انتشارات راین

